

ماگنا ماگنا زرتشتیان

نسرپه مهر گزر زرتشتیان گالیفرنیا

اندیشه نیک

کردار نیک

گفتار نیک



چشمت مهرگان

فرخنده باد



The Zoroastrian Journal

پاییزه ۳۷۵۵ زرتشتی ۱۳۹۶ خورشیدی ۲۰۱۷ میلادی

شماره ۳۰

Address: 8952 Hazard Ave., Westminster, CA 92683

Tel: (714)-893-4737

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از شما درخواست می کند که نوشتار ها، فرتور ها (عکس) و پیشنهاد های خود را به نشانی info@czcjournal.org برای نشریه مرکز بفرستید. نوشتارها و فرتور های برگزیده با نام فرستنده چاپ خواهد شد. در تارنمای www.czcjournal.org میتوانید نشریه های مرکز زرتشتیان کالیفرنیا را ببینید.

ماهنامه زرتشتیان
آگهی می پذیرد
۷۱۴-۸۹۳-۴۷۳۷

سخن نخست

سخن نخست

از: نسرين اردبیهشتی

در این ایام فرخنده مهرگان که به یاد ایران عزیزمان و مراسم کهن آن، شادی می کنیم و جشن می گیریم به اندیشه کسانی که بر اثر طوفان های سهمگین اخیر آمریکا جان و مال خود را از دست داده اند هم باشیم. گویا خشم و غضب پروردگار بود که بر کردارهای پلید انسان های شرورو شیطان صفت روی زمین نازل آمده بود.

در این دوران سیل زده ما شاهد کمک و همکاری مردم سرزمین بودیم که به دادن دهش در دنیا شهرت دارند و در این دوران سخت کمتر کسی بود که دهش و کمکی نکرده باشد. در کارخانه ها، در کانونهای فرهنگی، علمی و هنری، در کوچه و بازار همه و همه از کوچک و بزرگ دست به دست هم در این امر خیر با هم همکاری کردند. می گویند هر زمانی که انسان ها با یک شکل مشترک روبرو میشوند همگروه و همسنگر میشوند. ما شاهد این همبستگی بودیم و دیدیم که چطور جامعه آمریکا که اخیرا به سبب موضوع های سیاسی و قانونهای اجتماعی دچار شکاف شده است با هماهنگی در یک جبهه با هم همکاری و همیاری کردند تا به افراد سیل زده کمک برسانند. دیگر رنگ پوست و مذهب مهم نبود. آنچه اهمیت داشت یکی شدن و همکاری برای رسیدن به یک هدف مشترک بود.

چقدر زیباست این مناظر مهر و مهرورزی، اشوزرتشت می فرماید: "خوشبختی خود را در خوشبختی دیگران بجوی".

امید است ما هم که در این جامعه متمدن زندگی می کنیم از امر دهش و همیاری، بدون چشم داشت پیروی کنیم. باشد که ما هم دستیارودهشمنند افراد نیازمند و کانون هایی باشیم که ماندگاری آنان را خواهیم

مهرگان بر شما فرخنده باد.

ایدون باد

درخواست یارانه پولی

از کسانی که خواهان پرورش و گسترش ماهنامه زرتشتیان کالیفرنیا در زمینه های فزونی شماره، افزایش برگ ها و به سازی نوشتار هستند و توان دادن یاری های پولی دارند خواهشمندیم چک های یارانه ای خود را به نشانی

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

8952 Hazard Ave, Westminster, CA, 92683

بفرستند و یا به یکی از شعبه های بانک "چیس" رفته یارانه خود را به شماره

حساب 421-334675-6

بریزند.

California Zoroastrian Center

Zoroastrian journal

Chase bank

6-334675-421 Account #

مهرافزون- مرکز زرتشتیان کالیفرنیا





جالب است که بدانیم، هشتاد و دو سال از نامگذاری ایران می گذرد!

رژ: مجتبی انوری

در فروردین سال ۱۳۱۴ خورشیدی، طبق بخشنامه وزارت امور خارجه و تقاضای دولت وقت، نام رسمی «ایران» (به جای پرس، پرشیا و غیره) برای کشور ما انتخاب شد. در مغرب زمین از قرون وسطی،

ایران به نامهای قبیل پرس (فرانسوی)، پرشیا (انگلیسی) پرسیس (یونانی) نامیده شده است. اسمی که امروز «ایران» گفته میشود بیش از ۶۰۰ سال پیش «اران» Eran تلفظ میشد.

سعید نفیسی در دی ماه ۱۳۱۳ نام «ایران» را به جای «پرشیا» پیشنهاد کرد. این نامگذاری در آغاز مخالفانی نیز داشت و براین باور بودند که در «پرشیا» فرهنگ و تمدنی نهفته است که نمی توان آن را حذف کرد و شناخته شده و بین المللی نیز است؛ اما حامیان نامگذاری ایران، اعتقاد داشتند که واژه ایران بسیار کهن و بر اقتدار سیاسی کشور می افزاید.

"واژه ایران" بسیار کهن و قبل از آمدن آریایی ها به سرزمین ما اطلاق می شد و نامی تازه و ساخته و پرداخته نیست. پروفیسور آرتور اپهام پوپ

(۱۹۶۹ - ۱۸۸۱ میلادی)

ایران شناس مشهور امریکایی در کتاب «شاهکارهای هنر ایران»

تو با دشمن ار خوب گفتی رواست از آزادگان خوب گفتن سزاست دکتر محمد معین (۱۲۹۳ - ۱۳۵۰) ادیب و سخنور نامی

است. این واژه در زبان ایرلندی کهن هم به همین معنی است. قسمت اول کلمه ایرلند - Ir Land به معنی نجیب و شریف و قسمت دوم آن به معنی



«که در سال ۱۳۳۸ توسط دکتر پرویز خانلری به زبان فارسی ترجمه شده است، مینویسد: «کلمه ایران به فلات و توابع جغرافیایی آن حتی در هزاره پیش از آمدن آریاییان نیز اطلاق میشود» واژه ایران " از دو قسمت ترکیب شده است. قسمت اول به معنی اصیل، نجیب، آزاده و شریف است. قسمت دوم به معنی سرزمین یا جا و مکان است. در شاهنامه فردوسی بارها کلمه «ایران» به کار رفته است. دهها بار ترکیباتی نظیر بزرگان ایران، بر و بوم ایران، ایران و توران، ایران و روم، ایرا نزمین، شهر ایران و نیز بیش از ۳۵۰ بار «ایرانی و ایرانیان» "معنی واژه ایران" سرزمین آزادگان است.

فردوسی در شاهنامه درباره خوی آزادگان (ایرانیان) چنین میسراید:

ایران در خصوص ریشه واژه ایران می نویسد: "اصل و ریشه Arya هر چه باشد، این قدر واضح است که این کلمه به تداعی معانی بسیار را به خاطر می آورد.

مللی که متعلق به بخش خاوری هند و اروپائیان بودند، خود را بدین نام مفتخر میدانستند. آرین Aryan از واژه آریا Arya مشتق است. اجداد مشترک ملل هند و ایران خود را بدان نام معرفی می کردند. واژه ایران، خود از همین ریشه آمده است."

دکتر بهرام فره وشی (۱۳۰۴ - ۱۳۷۱) ایرانشناس و استاد پیشین دانشگاه تهران در خصوص ریشه واژه ایران می نویسد: «ایران در زبان اوستایی به صورت ائیریه Airya و در زبان فارسی باستان آریه Ariya آمده است.

در اوستا هم نام قومی ایرانی به معنی شریف و نجیب و اصیل

سرزمین است. ایرلند به معنی سرزمین نجباست. منبع: برگرفته از مقاله «چگونه ایران شدیم؟» نوشته مجتبی انوری

در مورد واژه

«پارس»

رژ: جلیل دوستی

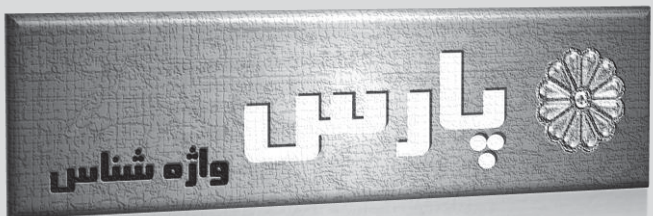
پرسش دوستی

درباره واژه "پارس"

با درود بی پایان خدمت آقای دکتر جلیل دوستخواه، امروز بنا به تصادف به «هریس پارک»

که بسیار جای قدردانی و سپاس، به جهت گردآوری چنین کتابی زیبا و پر بها دارد. همانطور که صفحات را ورق زده و سرودها را میخواندم و نگاه میکردم به صفحه ۸۰۹ کتاب رسیدم. تصادفا در پانویس صفحه، شماره ۱ این جمله را خواندم: "سگی که ناگهان و بی پارس کردن می گذد." وقتی به این واژه برخوردم "پارس کردن سگ"، به یاد مطلبی افتادم. وقتی که تازیان بربر به ایران زمین یورش آوردند و فرهنگ غنی پارس را شروع به نابودی کردند، وقتی سگی عوعو و یا واق وواق میکرد، تازیان میگفتند که سگ پارس میکند، یعنی سگ هم مانند پارسیان زبانش پارسی است (سگان و پارسیان هم زبانند). از آن زمان به اشتباه این واژه در زبان پارسی جایگزین شده که وقتی سگی واق واق می کند همه (جمع ایرانیان) می گویند سگ پارس میکند، بدون آنکه بدانند این واژه از کجا آمده است و چه لطمه ای

رستم و آقای دکتر را در کتابخانه ایرانیان دیدم. ایشان لطف کردند و کتاب «کهن ترین سرودها و متن های ایرانی، اوستا» را به من معرفی کردند. شروع به خواندن این کتاب با ارزش و زیبا کردم



به زبان پارسی میزنند. البته من این مطلب را سالها پیش در جایی خوانده بودم و مرجع آن را به یاد نمی آورم.

به زبان پارسی میزنند. البته من این مطلب را سالها پیش در جایی خوانده بودم و مرجع آن را به یاد نمی آورم.



اگر این کوچک اشتباه می‌کنم، خواهشمند است مرا راهنمایی فرمایند تا رفع ابهام شود. بنده از آقای دکتر (مسئول کتابخانه کانون ایرانیان) درخواست نموده ایمیل شما را به من بدهند تا بتوانم با شما تماس گرفته و این موضوع را در میان بگذارم. سپاسگزار می‌شوم که راهنمایی فرموده که واژه «پارس کردن سگ» از کجا وارد زبان پارسی شده است که رفع ابهام گردد.

با درود و سپاس بی پایان، ح.ا.

صورت مسأله است. گفتنی است که واژه پارس، افزون بر کاربرد آن در خاستگاههای ایرانی، در زبان انگلیسی نیز - که همچون فارسی - از خانواده زبا نه‌ای هندواروپایی است، bark و barking گفته میشود و پارس - به معنی دوش - ریشه در چنین پیشینه زبانی دارد. این که عربها به سبب نداشتن آوای «پ» در زبان نشان، نام زبان و قوم ما را از پارس به فارس، گردانده اند، مطلب دیگری است و تغییری در کاربرد واژه های پارس و فارس در کنار هم از سوی ما نمیدهد.

پاسخ جلیل دوستخواه

در مورد واژه ی «پارس»، به دو معنای نام قوم ایرانی و بانگ سگ - که این روزها در پاره ای از رسانه ها بازتاب یافته و ذهن شماری از هم میهنان ما را به خود مشغول داشته است، باید بگویم که این هر دو معنی، از روزگار کهن در متن های ایرانی (از اوستا تا متنهای پهلوی و فارسی دری و نیز سنگ نوشته های هخامنشی و ساسانی، آمده است و این که عربها به عمد و به قصد اهانت به ایرانیان، بانگ سگ را پارس نامیده باشند، تنها یک خیال بافی است و هیچ پشتوانه پژوهشی ندارد. اشاره به هم میهنان آذربایجانی ما هم در این زمینه، بی مورد و مبتذل کردن

آغاز ساخت دیوار

ترکیه در مرز ایران

دولت رجب طیب اردوغان عملیات ساخت دیوار در مرز ترکیه با ایران را آغاز کرده است. این در حالی است که هیچ یک از نهاد های ایرانی که پیش از این نگران ساخت دیوار ترامپ در مرز مکزیک بودند به ساخت « دیوار اردوغان » در مرز ایران اعتراض نکرده اند.

رسانه های ترکیه گزارش کرده اند، دولت این کشور عملیات اجرایی ساخت دیوار مرزی با ایران را آغاز کرده است. بنا بر اطلاعات منتشر

شده این دیوار مشابه دیوار ۹۱۰ کیلومتری است که ترکیه در مرز خود با سوریه کشیده است.

یک وبسایت گُردی نیز با انتشار خبری دال بر بازدید استاندار استان آغری و نماینده رییس جمهوری ترکیه از پروژه در حال اجرای «دیوار اردوغان» یاد آور شده است که بیشتر ساکنان استان آغری را ترک های

نظامیان کرد، تبادل جنگ افزار و همچنین ممانعت از تردد قاچاقچیان است.

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه همزمان با تبلیغات آقای ترامپ در خصوص دیوار کشی در مرز آمریکا با مکزیک، از قصد کشورش برای ساخت دیوار در مرز با ایران خبر داده بود و جالب آنکه وزارت خارجه ایران نیز این اقدام را تایید

در مرز با ترکیه استقبال می‌کنند.

شایان ذکر است مرز زمینی ایران با ترکیه در سال های اخیر محل فرار بسیاری از روزنامه نگاران و فعالان سیاسی بوده است که در ایران با خطرات امنیتی روبرو شده اند. عموم این افراد پس از ورود از طریق مرزهای زمینی به ترکیه به سازمان ملل درخواست پناهندگی می‌دادند.



آذری و کردها تشکیل می‌دهند و این دیوار بی تردید با انگیزه های سیاسی احداث شده است. بر اساس آنچه در رسانه های ترکیه منتشر شده، این دیوار که از بلوک های بتنی ساخته می‌شود، سه متر ارتفاع و دو متر عرض دارد و دولت ترکیه گفته قصد او از ساخت این دیوار مرزی جلوگیری از ورود شبه

کرده بود. ساخت این دیوار در حالی است که گروهی از کوشندگان سیاسی ایرانی تبار که به نفع منافع جمهوری اسلامی در آمریکا فعالیت می‌کنند، به طرح رییس جمهور آمریکا برای دیوار کشی در مرز مکزیک واکنش های تند نشان می‌داند، ولی از ساخت دیوار مشابهی





زباد و زباران

نیافته گزند

تندیس استوار و مصمم از چکامه‌سرایی میهن‌دوست و کودکی که در پایین آن نشسته است، برای همه ما یادآور میدان فردوسی است که ۵۸ ساله شد. اما داستان زمانی

را در میدان فردوسی نصب کرد. فریدون صدیقی، فرزند ابوالحسن خان صدیقی درباره‌ی کودک نشسته در پای فردوسی گفته است که این کودک، کودکی زال در کوه البرز است. از همین رو این تندیس بر روی تنه سنگ بزرگی که نشان دهنده کوه البرز است ساخته شده است.



آغاز می‌شود که انجمن حفظ آثار و میراث ملی ساخت آن را به استاد ابوالحسن‌خان صدیقی پیشنهاد می‌کند. در آن زمان روانشاد صدیقی در ایتالیا به سر می‌برده است، او بی‌درنگ کار را آغاز می‌کند و در مدت زمان یک سال تندیس فردوسی بزرگ را از جنس سنگ مرمر می‌سازد.

۱۷ خرداد ماه ۱۳۳۸ فریدون صدیقی تندیزی که پدرش ابوالحسن صدیقی ساخته بود

او ۸۳ تندیس ساخت که نامدارترین آن‌ها، تندیس‌های نادرشاه افشار در مشهد، ابن سینا در همدان، سعدی در شیراز، خیام در پارک لاله و فردوسی در میدان فردوسی تهران است. این سومین تندیس فردوسی است که در میدان فردوسی نصب شده است. نخستین تندیس دهم مهرماه سال ۱۳۲۴، همزمان با جشن مهرگان، در میدان فردوسی

تندیس پارسیان پس از سال‌ها به روبه‌روی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برده شد و تندیزی دیگر در این میدان جای گرفت که پس از زمان کوتاهی تندیس کنونی جایگزین آن شد و تاکنون پابرجاست. نخستین تندیس فردوسی را لرنزی تندیس‌ساز نامدار فرانسوی ساخته است. ۴۱۰ دانشجوی ایرانی در فرانسه هر یک از ۲۰ تا ۴۱۰ فرانک پول خود را دهش

می‌کنند تا نخستین تندیس فردوسی را لرنزی نام آشنا بسازد. پول گردآوری شده بسیار کمتر از پولی بود که برای ساخت تندیس لازم است. اما لرنزی زمانی که از دهش دانشجویان آگاه شد، کار را پذیرفت. «ابراهیم چهارآزی»، متخصص اعصاب و روان و نماینده‌ی دانشجویان که بر آن بود به هر صورت در کنگره بین‌المللی فردوسی همکاری نماید به درخواست لرنزی، سروده‌های شاهنامه فردوسی را برای او خواند تا این استاد بتواند با الهام از اشعار حماسی فردوسی، نگاره‌ای از چهره او را طراحی کند. این تندیس در سال ۱۳۱۳ خورشیدی، پیش از برگزاری کنگره بین‌المللی فردوسی، در باغ نگارستان بر پا شد و دانشجویان به خواست خود رسیدند.

چهره تندیزی که لرنزی از فردوسی ساخت با تندیزی که ابوالحسن خان صدیقی از خداوند سخن پارسی ساخته است یکی نیست. امروزه همه ما چهره فردوسی را با تندیس صدیقی می‌شناسیم پس شایسته است اگر از کنار این تندیس گذشتیم افزون بر فردوسی بزرگ بر روان پاک ابوالحسن صدیقی نیز درود بفرستیم.

یادش گرامی باد.

حکایت دویست

ساله ما

از: محمد علی فروغی

در حدود ۱۶۰ سال پیش ملک التجار روسیه (ویش قرتسوف) سموری با یک دست چای خوری برای امیر کبیر تحفه فرستاد. امیر اندیشید که صنعت‌گران زبردست ایرانی می‌توانند نظیرش را بسازند؟ اما سالها بعد در ایام نوروز جمعی در باغ چهل ستون اصفهان به تفریح نشسته بودند در این بین گدایی پیش آمد و درخواست کمک نمود و گفت: من واقعا گدا نیستم سرگذشتی دارم اگر حوصله شنیدن دارید برایتان تعریف کنم.

او گفت: در زمان صدارت امیر کبیر یک روز حاکم اصفهان صنعت‌گران شهر را احضار کرد. گفت آیا می‌توانید کسی را که در میان شما از همه استادتر است معرفی کنید. صنعت‌گران مرا معرفی کردند.

حاکم گفت: امیرکبیر برای انجام کار مهمی تو را به تهران خواسته است و من در تهران به حضور امیر رسیدم. سموری نزد امیر بود او سمور را آب و آتش نمود و تمام اجزاء سمور را بیان



کرد و گفت: میتوانی سماوری مانند این بسازی؟

من تا آن زمان سماور ندیده بودم جلو رفتم و پس از ملاحظه گفتم بله می‌توانم. امیر گفت این سماور را ببر، مانندش را بساز و بیاور.

من سماور را برداشتم مشغول شدم پس از اتمام کار سماور ساخته شده را نزد امیر بردم و مورد پسند واقع شد. امیر پرسید این سماور با مزد و مصالح به چه قیمت تمام شده است؟ من عرض کردم روی هم رفته ۱۵ ریال.

امیر دستور داد تا امتیاز نامه‌ای برای من بنویسند که فن سماورسازی به طور کلی برای مدت ۱۶ سال منحصر به من باشد و بهای فروش هر سماور را ۲۵ ریال تعیین کرد. پس از صدور این فرمان گفت به حاکم اصفهان دستور دادم که وسایل کارت را از هر جهت فراهم نماید. در بازگشت به اصفهان بسرعت مشغول کار شده و چند نفر را

نیز استخدام کردم و مجموعاً مبلغ ۲۰۰ تومان خرج شد. اما هنوز مشغول کار نشده بودم که از طرف حکومت به دنبال من آمدند من را همچون دزدان نزد حاکم بردند. تا چشم حاکم به من افتاد با خشونت گفت: میرزا تقی خان امیر کبیر از صدارت خلع شده و دیگر کارهای نیست. تو باید هر چه زودتر مبلغ ۲۰۰ تومان را به خزانه‌ی دولت برگردانی.

در آن هنگام من پولی نداشتم پس دستور مصادره اموال من صادر شد. با این وجود بیش از ۱۷۰ تومان فراهم نشد. برای ۳۰ تومان دیگر مراسم بازار برده و در انظار مردم چوب زدند تا اینکه مردم ترحم کرده و سکه‌های پول را به سوی من که مشغول چوب خوردن بودم پرتاب کردند. سرانجام آن ۳۰ تومان هم پرداخت شد. اما به خاطر آن چوبها و صدمات بدنی چشم‌هایم تقریباً نابینا شده و دیگر نمیتوانم به کارگری مشغول شوم از این رو به گدایی افتادم.....

این حکایت دویست ساله ماست که با تغییر اشخاص و حاکمان کل زیرساخت‌هایمان را شخم می‌زنیم!!!

شب چله میراث

زیبا و دلنشین

هزار ساله اجداد

ماست

منوچهر راغوانی

دیگر چیزی به شب چله، جشن مهر و روشنایی و آغاز فصل زمستان نمانده است. ما ایرانی‌ها مناسبت‌های جالبی داریم که در تمام دنیا کم‌نظیر است. برخی از آنها با طبیعت همگرایی خاصی دارند؛ مثل همین شب چله که میراث زیبا و دلنشین هزار ساله اجداد ماست و زنده نگهداشتن آن بسی زیبا و دلنشین تر است.

چراکه فلسفه و لذت چله در کنار خانواده بودن است. یکسری از سنت‌ها هست که تمام فلسفه و شیرینی آن این است که همه در کنار هم باشند. چله یکی از این سنت‌های دوست‌داشتنی ماست که اجازه نمی‌دهد انسانی بودن زندگی فراموش شود. در شب چله در خانه بزرگ ترهای فامیل جمع می‌شویم و اگر شانس داشته باشیم و هنوز در خانه مادر بزرگ کرسی پیدا شود، پاها را زیر کرسی دراز می‌کنیم، فال حافظ می‌گیریم و هزار تا آرزوی رنگی می‌کنیم. در این میان، خوراکی‌های شب چله هم چیزهایی نیستند که بشود از

آنها گذشت. انار و هندوانه و آجیل و همه چیزهای خوشمزه‌ای که جزئی از آیین برگزاری شب چله هستند در خاطره جمعی ما ایرانی‌ها حک شده‌اند. فال حافظ هم که بخش جدایی‌ناپذیر چله

اما آنچه در سفره شب چله در اکثر شهرها و روستاها باب است، سفره‌ای است رنگین که میوه‌هایی نظیر هندوانه، انار، سیب‌سرخ، خربزه و به و خشکباری مثل برگه هلو و زردآلو، انجیر خشک، سنجد و



ست

و لطف این شب نشینی را دوچندان می‌کند. با این‌که در جاهای مختلف ایران و بنا به خرده فرهنگ‌ها و آیین‌ها، از خوراکی‌های گوناگونی در این شب استفاده می‌شود، اما مثل "سبزی پلو با ماهی" مخصوص شب عید نوروز، شب چله هم خوراکی‌های مخصوصی دارد. میوه و خشکبار، اصلی‌ترین خوراکی‌ها در این زمینه هستند و میوه‌هایی که برای شب چله خریداری می‌شوند، میوه‌هایی پاییزی و تابستانی، به خصوص انار و هندوانه هستند. بر اساس یک باور قدیمی، مردم با اینکار، با میوه‌های تابستانی وداع می‌کنند و با خوردن خشکبار گرم به استقبال سرما می‌روند و چله را جشن می‌گیرند

کشمش در آن وجود دارد. اما آجیل شب چله که گران‌ترین خوراکی بلندترین شب سال هم به شمار می‌آید به «آجیل هفت‌قلم» معروف است که در آن، پسته، بادام، گردو، نخودچی، انجیر، باسلوق و... وجود دارد. هر یک از خوراکی‌های شب چله، خواص درمانی و طبیعی مخصوص دارند، چنانچه جعفر شهری در کتاب «طهران قدیم» در رابطه با خواص مواد غذایی که در این شب خورده می‌شود، آورده است: «مردم معتقد بودند با خوردن‌های سفره شب چله، مثل خوراکی‌های پای سفره هفت‌سین طبیعت گرم خود را می‌توانند سرد کنند و طبیعت سرد خود را گرم کنند. به این



صورت که اگر از گرمی مزاج رنج می برند، هندوانه و انار و اگر از سردی ناراحت می شوند، توت و کشمش و خرما و مثل آن بخورند».

در سراسر ایران، جایی را نمی یابید که خوردن هندوانه در شب چله، جزء آداب و رسوم آن نباشد زیرا عده‌ای اعتقاد دارند که اگر مقداری هندوانه در شب چله بخورند، در سراسر چله بزرگ و کوچک، یعنی زمستانی که در پیش دارند، سرما و بیماری بر آنها غلبه نخواهد کرد.



شخص باورمند بایسته

است تا برای زندگی

خود تلاش کند و در راه

آبادی و پیشرفت جهان

کوشا باشد

از: فریادج

تلاش و انجام کار نیک بارها در گاتها ستوده شده است و چایگاه ویژه ای در باور زرتشتیان دارد. چنانکه در یسناها ۳۰ بند ۹ آمده است: پروردگارا بشود مانند کسانی که جهان را به سوی تکامل و آبادانی پیش می برند از بندگان وفادار تو باشیم. ای خداوند جان و خرد و ای هستی بخش بزرگ بشود در پرتو (راستی و پاکی) از یاری تو برخوردار گردیم تا زمانی که ما دستخوش بدگمانی و دودلی هستیم اندیشه و قلب ما یکپارچه به تو توجه پیدا کند. اشوزرتشت در گاتها از همه می خواهد که با پیروی از قانون اشا برای پیشرفت و آبادانی شهر، کشور و جهان کوشش کنند از این روی کاهلی و تن پروری نکوهش شده است. در اوستا آمده است هر کشاورزی که زمین را بارور سازد راه اشویی را می پیماید. همگان میدانیم که در زمانهای گذشته کشاورزی مهمترین راه برای ادامه زندگی بوده و

هنوز هم میباشد. کشاورزی و آبادانی و پرورش چارپایان سودمند از آموزشهای اشوزرتشت است. یک فرد زرتشتی میداند که با کوشش خود آسایش و پیشرفت را در آینده به ارمغان خواهد آورد، نگاه به آینده ای روشن و ساختن آن. همچنین میخوانیم در هات ۳۴ بند ۱۴:

ای خداوند خرد کسانی از آن پاداش گرانبها که نوید داده شده بهره مند خواهند گردید که کار را از روی خرد و منش پاک انجام دهند. برای پیشرفت و آبادانی جهان کوشش نمایند. خواست خداوند هستی بخش را برآورده سازند و در پرتو راستی و پاکی در پیشرفت اراده اهورایی کوشا باشند. همگی میدانیم که آرزوی زرتشت ساختن جهانی نوین است و خداوند این جهان را برای شادی ما آفریده است. پس آیا میشود بدون کوشش و ساخت آینده ای بهتر در آن شاد بود؟ ساخت جهانی نوین همراه با شادی، کوشش و تلاش همگان را میخواهد. در هر جایگاه و رتبه ای باشیم باید آن را به بهترین گونه به پیش بریم و از کم کاری و تنبلی دوری چویم. از کسانی باشیم که این جهان را تازه و آباد می کنند. (گاتها)

ملانصرالدین

از: دکتر م. لیکز (فیروزنیا)

ملا یا خواجه نصیرالدین (خواجه به معنی ارباب) قهرمان و سازنده لطیفه‌ها و داستان‌های فکاهی بی‌شماری است که قرن‌ها موجب خنده مردم جهان از مراکش تا مرزهای چین و از سیبری تا شبه‌جزیره عربستان بوده است. آن لطیفه‌ها و

ملانصرالدین کیست؟ نظریات مختلف در مورد ملا وجود دارد. به باور عده‌ای چنین شخصی وجود نداشته و او محصولی از افسانه‌های عامیانه می‌باشد. به باور برخی از سایر مردمان او واقعاً وجود داشته و بسیاری از کشورها او را متعلق به خود دانسته و به وجودش افتخار می‌کنند. بهرحال در این زمینه چند نکته را می‌توان بیان کرد:



داستان‌های مربوط به ۱. ملا قهرمان فکاهی جهان ملانصرالدین به چهل زبان ترجمه شده و رواج دارند. داستان‌های او نه تنها فکاهی بوده و از ساده‌لوحی و خوشگذرانی صحبت می‌کند، بلکه در عین حال فلسفه عمیق عامیانه را در بردارد. در واقع گفته‌های وی جنبه مبارزه با خشونت و اختناق اجتماعی داشته که به صورت طنز و فکاهی جلوه می‌کنند.

۲. به روایت دیگر، ملا در اسلامی می‌باشد که در قرون وسطی ظهور کرده و شهرت جهانی یافته است. داستان‌های مربوطه به او در ایران، ترکیه، مصر، سوریه، یوگسلاوی، بلغارستان، یونان، هندوستان، پاکستان، چین، انگلستان، آمریکا، شوروی سابق و غیره انتشار یافته و حتی فیلم روسی از او تهیه شده است.



حدود هشتصد سال پیش در دهکده کوچک هارتو نزدیک شهر بودی حصار (در شرق آنکارا، پایتخت ترکیه) زاده شده است. ولی بیش از صد سال است که دانشمندان می‌کوشند زادگاه اصلی او را پیدا کنند. سالیانه در آق‌شهر (در ترکیه) جشنی به نام او ترتیب می‌دهند. ظاهراً او در این شهر، بدرود حیات گفته است. طبق نوشته‌ای که بر روی دیوار مسجدی وجود داشته گمان می‌رود که ملا در سال ۱۳۹۲ شماریش جدید (میلادی) فوت کرده است، ولی مدرک موثقی در این مورد در دست نیست. در افسانه‌ای قدیمی گفته شده که در اطراف قبر ملا فقط ستونی موجود بوده است که تنها دری به آن اتصال داشته و بر آن در قفلی بدون کلید وصل بوده ولی هیچگونه دیوار و یا نرده‌ای به ستون متصل نبوده است از این رو می‌گویند این حکمت ملا بوده که می‌گفته «درها به روی دشمنان بسته و به روی دوستان باز است».

۳. به روایت دیگر مشهور است که ملا در قرن دهم میلادی در دوره خلافت عباسیان می‌زیسته است. هنگام منازعه‌های مذهبی او را به بی‌دینی متهم می‌کنند و او برای نجات خود، خود را به دیوانگی می‌زند.

۴. به روایت دیگر او در قرن ۱۳ یا ۱۴ میلادی در آسیای صغیر زندگی می‌کرده است. ۵. باز به روایت دیگر می‌گویند که ملا در زمان سلطان بایزید به هنگام جنگ با تیمور لنگ می‌زیسته که اواخر قرن ۱۴ یا اوایل قرن ۱۵ میلادی است.

و اما چند حکایت از ملا

روزی ملا به همراه تیمور لنگ بوده است. مردم آینه‌ای از طلای سفید به عنوان هدیه به تیمور دادند. تیمور با دیدن خودش در آن آینه گریه سر داد. پس از آنکه

تیمور گریه‌اش را تمام کرد، ملا همچنان می‌گریید. تیمور از ملا پرسید چرا می‌گریی؟ ملا در حالی که اشک‌هایش را پاک می‌کرد گفت «شما یک لحظه خودتان را در آینه دیده و گریه می‌کنید. من که تمام روز شمارا می‌بینم، نباید این همه گریه کنم؟!»

حکایت دیگر: ملا و زنتش رختشویی می‌کردند کلاغی صابون آنها را دزدید و گریخت. «ملا گفت ولش کن، او از ما کثیف‌تر است!». حکایت دیگر: ملا روزی در حمام آواز می‌خواند و از آواز خودش خوشحال و شادان بود. در نیمه آن روز به میدان شهر

آمد و به بالای مناره‌ای رفت و شروع کردن به اذان مغرب گفتن. فردی با تحکم به ملا گفت با آن صدای ناموزنت چه وقت گفتن اذان است، ای فلان فلان شده. ملا با آرامی جواب داد به جان تو قسم، اگر آدم خیری پیدا می‌شد و در این



مناره حمامی می‌ساخت، می‌دید با صدایم چه محشری می‌کردم!!»

حکایت دیگر: کسی به ملا می‌گوید آن عازی را که می‌رود نگاه کن. ملا گفت «به من چه ربطی دارد!» مرد گفت «رفته به خانه تو» ملا گفت «به تو چه ربطی دارد.» ملا نصرالدین مورد نظر نویسنده روسی، لئونید گولوویف قرار گرفته است. نویسنده‌ای از یوگسلاوی اسلاوکومیکانوویچ نیز کتابی به نام «ملانصرالدین در استانبول» نوشته است. ملا را عوام به شکل پیرمردی ریش سفید با دستار بزرگی بر

سر با لباسی محقر و ژنده که وارونه برخر نشسته نشان می‌دهند. وارونه نشستن او بر خر برای این است که می‌گفت «می‌خواهم مطمئن باشم که خرم راه درست می‌رود. زیرا خرم کارها را برعکس من انجام می‌دهد.»

شخصیت ملا: ملا معجونی است

شگفت‌انگیز از فرزاندگی و رندی. از این رو سخنان او از ادبیات عامیانه ترکی فراتر رفته و وارد فولکلور مردم بالکان، صرب‌ها، کروات‌ها، یونانیان، مسلمانان بوسنیا، بلغار، آلبانی و غیره شده است. همچنین داستان‌های او بین ایرانیان، مردم قفقاز و ارمنستان، گرجستان و ترکستان و غیره رواج دارد. حتی او را در کناره‌های دریای مدیترانه می‌توان یافت. از این جهت او را به اسامی مختلف ذیل می‌شناسند: در ایران ملانصرالدین، بین اعراب جوجه یا حجه، بین بربرها سیدجی یا جی، بین مردم مالت جیهان و در میان مردم سیسیلی جیوفا و غیره. ملا در عزای مردن خَرَش بیشتر گریست تا در مرگ

همسرش. گفتند چرا؟ گفت «وقتی زنم مرد، دوستان گفتند غصه مخور زن دیگری برایت می‌گیریم، ولی هیچکس نگفت خر بهتری برایت می‌خریم. برای این است که گریه می‌کنم. این نوشته را با لطیفه‌ای از ملا که اینجانب نویسنده به نظم درآورده‌ام خاتمه می‌دهم:

ملا و کدخدا

ز ملانصرالدین جُوی بی‌سازم به عقل و هوش آن مردک بنام که ملا کرد کار خوش‌پسندی برای کدخدا برد گوسفندی بشد آن کدخدا زین کار خوشنود صدا کرد نوکرش را امر فرمود چوملا کرده از من این چنین یاد ببخشیدش الاغی تا شود شاد برفت ملا که بیند کدخدا را کند عرض تشکر با دعاها ولی دستپاچه شد ملا چه گوید چگونه او ره اخلاص جوید بگفتش کدخدا شرمنده هستم غلام و چاکرت این بنده هستم الاغی بهر من، زحمت چو داری؟ که بیش از صد الاغ ارزش تو داری!

نتیجه

داستان‌ها و یا طنزهای ملا شوخی اجتماعی نیست، بلکه درکی است از واقعیات زندگی که به صورت فکاهی یا کمدی انتقادی درآمده و عامه مردم را با خندانند، باعث تسکین آلام درونی و نامالایمات و سختی‌های اجتماعی آنان می‌گردد.



مهر یاسبان پیمان

و خوشبختی

جهانیان

مهرگان، جشنی است که در شانزدهمین روز از ماه مهر در گاهشمار زرتشتی (بنابر سالنمای رسمی کشور، روز دهم مهر) که برابر شدن روز مهر از ماه مهر است، برگزار می شود از آن رو که «ایزد مهر» دارای فروغ و روشنائی است، سراسر روی زمین، میدان های فراخ و پهن و دشت ها را می پاید، تا پیمان شکنی روی ندهد. در کرده 1- بند 2 مهریشت، ویران کننده يك کشور را، پیمان شکننده نابکار می داند. به گونه ای که پیمان شکستن نه با يك دروغ پرست و دروغ کار رواست و نه با يك راست کار.

بشود که او برای یاری ما آید
برای گشایش کار ما آید
بشود که او برای چاره ما آید
بشود که او برای یاری ما آید
بشود که او برای پیروزی ما آید
بشود که او برای خوشبختی ما آید
بشود که او برای دادگری ما آید
«مهریشت، کرده ۱، بنده»
در سراسر «مهریشت»، ایزد مهر دارای دشت های پهن است و از سخن راستین مردمان، آگاه است. این گونه برداشت می شود که هر بخشی از این جهان هستی



خویشکاری ای (وظیفه ای) دارد. خویشکاری ایزد مهر، آن گونه که از کرده ۲۶ - بند ۱۰۳ برمی آید آن است که اهورامزدا او را برای یاسبانی و نگهبانی و دیده بانی خوشبختی مردمان گماشته است، تا مردمان در پیمان های خود استوار باشند. پیمان شکستن، کرداری است اهریمنی که سرچشمه های بسیاری از رفتارهای نابهنجار آدمیان می شود. «مهر» کسانی را که به او دروغ گویند، به نامش پیمانی ببندند که به آن وفا نکنند، در سراسر کشور، هر جایی که باشند، دنبال کرده و به کیفر می رساند.
با هر که پیمانی بسته می شود، آن پیمان را می بایست ارج نهاد و به آن وفادار بود. «مهر»، به چم (معنای) «خورشید» نیست، چه ایزد «خُور» یا «خیر» خود ایزدی دیگر است. بلکه «مهر»، روشنائی و فروغ خورشید است.

در کرده ۴ مهریشت- بند ۱۳ می خوانیم؛ «نخستین ایزد مینوی، که پیش از خورشید در بالای کوه هرا (کوه البرز) برآید، نخستین کسی که با زینت های زرین آراسته از فراز (کوه) زیبا سر به در آورد، و از آنجا همه کشورهای آریایی را می نگرند». جایگاه «مهر» به گستردگی سراسر زمین است. این جشن فرخنده و زیبا در گذشته میان ایرانیان جایگاهی بسیار ارجمند همانند نوروز داشت و همان گونه که ایرانیان نوروز را از برای فرارسیدن پایان سرما و آغاز بهار جشن می گیرند، مهرگان را نیز در نیمه ای سال و با پایان فصل گرما و آغاز سرما جشن می گرفتند. آیین های برگزاری جشن مهرگان بسیار با نوروز همانندی دارد و همان گونه که نوروز را به پادشاه افسانه ای ایران، «جمشید» نسبت می دهند، مهرگان را نیز به پیروزی «فریدون» دیگر قهرمان ایرانی بر ضحاک

نسبت می دهند. ضحاک، فرمانروای خودکامه ای است، که نخست و پیش از هر کاری به سوی جوانان و «مغز» شان می رود. شاید در اینجا می خواهد هشدار بدهد که اهریمنان، همیشه خرد و مغز آدمیان و به ویژه جوانان را هدف قرار می دهند. در «مهرگان»، با فریاد دادخواهی آهنگری، کاوه نام و با افراشته شدن درفش کاویانی و خیزش ایرانیان به رهبری فریدون، هزار سال ستم و بیداد ضحاک به پایان می رسد. جالب آن جاست که پس از بهزیر آوردن ضحاک، به جای کشتن وی، او را در دل کوه به زنجیر می کشند زیرا او هرگز نمی میرد و شاید هرآن، خودکامگی بازگردد. که این آماده بودن، رمز پیروزی است:

فریدون چو شد بر جهان کامکار
ندانست جز خویشتن شه‌ریار
به رسم کیان تاج و تخت مهی
بیاراست با کاخ شاهنشاهی
به روز خجسته سر مهر ماه
به سر بر نهاد آن کیانی کلاه

زمانه بی اندوه گشت از بدی
گرفتند هر کس ره ایزدی
دل از داوری ها بپرداختند
به آیین یکی جشن نو ساختند
نشستند فرزندان شاد کام
گرفتند هر یک ز یاقوت جام
می روشن و چهره ی شاه نو
جهان نو ز داد و سر ماه نو
بفرمود تا آتش افروختند
همه عنبر و زعفران سوختند
پرستیدن مهرگان دین اوست
تن آسانی و خوردن آیین اوست
کنون یادگارست از او ماه مهر
بکوش و بهرنج ایچ منمای چهر
در گذشته، جشن مهرگان شش روز به درازا می کشید. از روز شانزدهم مهر (روز مهر- مهرگان کوچک یا عامه) آغاز و به روز بیست و یکم (روز رام - مهرگان بزرگ یا خاصه) پایان می یافت. چنین نامور است که، ایرانیان در روز شانزدهم بر ضحاک چیره شدند و در روز بیست و یکم وی را در کوه دماوند به بند کشاندند.

مردم در این روز برای شادباش گفتن جشن، به خانه ی خویشان و آشنایان خود رفته و همچون بیشتر جشن های ایرانی به شادی و خوردن میوه، آجیل و شیرینی می پردازند. خوردن میوه هایی چون انار، سیب، به، عناب، انگور و برپایی سفره ویژه جشن مهرگان که رنگارنگ است و بر سر آن آیین، شمع و ... گذاشته می شود، دیده می شود.



قاعده اقلیت

متعصب در

سیستم های

اجتماعی

زنج. مهر

فرض کنید شما به یک میهمانی خصوصی وارد میشوید. در این میهمانی، ده زن و تعدادی مرد حضور دارند. یکی از خانمها، چادر به سر دارد. هشت نفر از خانمها، شکلی از حجاب را دارند، اگر چه که ممکن است این حجاب، کامل نباشد. یک نفر از خانمها بی حجاب است. این میهمانی خصوصی است، بنابراین قانون حجاب اجباری در کار نیست. نتیجه گیری شما: ۹۰ درصد خانمهای این جامعه به حجاب اعتقاد دارند، اگر چه که ممکن است تعریفشان از حجاب متفاوت باشد. ۱۰ درصد از خانمهای جامعه به حجاب اعتقاد ندارند. درست است نه؟ نه لزوماً. می خواهم برای شما توضیح بدهم که ممکن است که در این جامعه، تنها ۱۰ درصد خانمها به حجاب اعتقاد داشته باشند. حالا یکی از میهمانها، برای شما تعریف میکند که قبل از ورود شما به جمع، چه اتفاقاتی رخ داده (این مثال واقعی است؛ و

مربوط به روزهای آخری است که نگارنده در ایران حضور داشت): «تعدادی میهمان، زن و مرد، با هم اختلاط میکرده اند و کسی هم حجاب بر سر نداشته است. ناگهان میزبان به همه اعلام میکند که میهمان آخر، آقای ر، به همراه خانمش همین الان زنگ زده اند و دارند میرسند. میزبان ضمن

داخل میشوند. آقای ر، وقتی متوجه زن بی حجاب میشود، سرش را پایین می اندازد و سکوت میکند؛ اما میهمانی را ترک نمیکند. جمع دوباره شروع به صحبت میکند و میهمانی دوباره گرم میشود.» چه اتفاقی افتاد؟ در واقعیت امر، ۹۰ درصد این جامعه به حجاب اعتقادی نداشته اند، و تنها ۱۰ درصد واقعاً معتقد به حجاب بوده اند. نتیجه گیری

طالب است که مشغول خواندن آن هستیم. این قاعده، در مورد یک طرفه بودن خیابان تعصب است، و این که چه طور متعصبها، حتی اگر اقلیت مطلق باشند، میتوانند قاعده شان را به هنجار جامعه تبدیل و تحمیل کنند. خود طالب، زمانی به این مساله فکر کرده که در جریان شرکت در یک کنفرانس، متوجه شده همه نوشیدنیهای

طرفه بودن رفتار یهود یهاست: « غیریهود یها، هم نوشیدنی کوشر مینوشند و هم نوشیدنی غیر کوشر. اما یهودیها فقط نوشیدنی کوشر مینوشند.»

نتیجه: کنفرانس برای این که خیال خودش را راحت کند، به همه نوشیدنی کوشر میدهد. آنها که متعصب نیستند، روادار هستند در هر حال نوشیدنی را مصرف میکنند چه بسا خیلی از آنها اصلاً متوجه نمیشوند که نوشیدنی کوشر هست یا نه؛ خود نسیم طالب وقتی این را میفهمد که یکی از دوستانش به آن اشاره می کند. یهود یها هم که نوشیدنی مطلوبشان را مینوشند. به این ترتیب، اکثریت کنفرانس از نظر اقلیت تابعیت میکند.

مثال دیگر از من نگارنده (باز هم واقعی): برای یک میهمانی مشغول درست کردن آش انار بودم. معتمد که ۵۱ درصد مزه آش به گوشت ریش ریش شده آن است. اما در عین حال، میدانستم که دو یا سه نفر گیاه خوار در جمع حضور دارند. گیاه خواران هم یک طرفه رفتار میکنند: «غیرگیاه خواران، هم غذای گیاهی میخورند و هم غیر گیاهی، در حالی که گیاه خواران فقط غذای گیاهی میخورند.» من میزبان، یا باید رنج دو قابلمه کردن آش را تحمل



معذرت از همه، اطلاع میدهد که آقای ر به شدت مذهبی است، بنابراین اگر خانم بی حجابی در جمع باشد داخل نخواهد آمد، و از آن جایی که آقای ر خیلی عزیز هستند، از همه میهمانان میخواهد که حجاب بر سر کنند. میهمانان، بعضی با بی تفاوتی و بعضی غرولندکنان حجاب بر سر میکنند. یک نفر اما لجبازی میکند و حجاب بر سر نمیکند. آقای ر و خانم چادری اش

شما به عنوان یک ناظر بیرونی این بود که ۹۰ درصد جامعه باحجاب بوده اند. ۱۸۰ درجه غلط. چرا نتیجه گیری شما این همه غلط بود؟ و چرا آقای ر، برخلاف پیشبینی میزبان، جمع را ترک نکرد؟ این اساس بحثی است که میشود آن را قاعده اقلیت متعصب نام گذاشت، و موضوع فصلی از کتاب در دست انتشار نسیم نیکولاس

تهیه شده برای حاضران کوشر هستند (کوشر تهیه غذا و نوشیدنی به شکلی است که برای یهود یها قابل خوردن باشد، تقریباً معادل غذای حلال برای مسلمانها). حیرت طالب از این جهت بوده که میدانست تعداد یهود یهای حاضر در کنفرانس واقعاً انگشت شمار است، ولی با این همه، کل نوشیدنیها کوشر شده بودند. چرا این اتفاق افتاد؟ پاسخ در یک



دکتر آبتین

ساسانفر

از: گفتگوی شاهرخ احکامی

حقوقدان، نویسنده و فعال فرهنگی

شاعر معاصر



به مناسبت درگذشت دکتر آبتین ساسانفر، گفتگوی ایشان با میراث فرهنگی را به چاپ می‌رسانیم. دکتر آبتین ساسانفر یکی از عاشقان دین زرتشتی بود که در شناساندن این آیین و فرهنگ ایران کوشش‌های بسیاری کرد. ایشان سازمان جهانی زرتشتیان در پاریس و تاجیکستان را بنیاد گذاشتند.

آقای دکتر آبتین ساسانفر یکی از پشتیبانان همیشگی ماهنامه زرتشتیان بود. درگذشت ایشان را که فقدان بزرگی برای جامعه زرتشتی است به خانواده گرامی ساسانفر و جامعه فرهنگی ایران تسلیت می‌گوییم.

روانش شاد و بهشت برین جایگاهش باد.

این هنجار را تحمیل کنند. کافی است که سه یا چهار درصد از هر روستا، شهر یا استان، از اقلیت متعصب پای کار تشکیل شده باشد. همین برای تبعیت کل جامعه از نُرم مدنظر کفایت میکند. طالب، مثال‌های متعدد و جالبی می‌زند از همه‌گیر شدن جهانی خیلی از مسایل تاریخی و اجتماعی و اقتصادی که بر اساس قاعد هی اقلیت متعصب منطبق است: «همه‌گیر شدن زبان انگلیسی: فرض کنید که در یک ملاقات اداری بی‌نامالی، ۱۹ نفر به آلمانی مسلط باشند، و یک نفر آلمانی بلد نباشد. نتیجه: جلسه به انگلیسی برگزار میشود.»

همه‌گیر شدن ماشین‌های دنده اتوماتیک در آمریکا: رانندگانی که با دنده دستی آشنایی دارند، میتوانند دنده اتوماتیک هم برانند. ولی رانندگان دنده اتوماتیک نمی‌توانند دنده دستی برانند.

نتیجه:

قیمت اتوموبیل دنده دستی پایین می‌آید و تولیدش به تدریج به صفر میل میکند. طالب بحثی هم در مورد خیابان یک طرفه ادیان میکند، و سعی میکند سرعت افزایش جمعیت دین‌های مختلف را بر مبنای قاعده اقلیت و عدم تقارن توضیح دهد.

ناظری از کره مریخ بیاوریم و از او بخواهیم که در مورد تمایل اکثریت به صرف مشروب اظهار نظر کند، بی‌برو برگرد نتیجه می‌گیرد که خواسته اکثریت این بوده که مشروب سرو نشود. این برداشت طبیعی هر کسی از دموکراسی و قاعده اکثریت است. در حالی که، ناظر زمینی، برخلاف ناظر مریخی، اطلاع دارد که سر این میز، تنها یک نفر از هفت نفر با سرو مشروب مخالف بوده است. این خواسته، صرفاً خواسته طرفی بوده که متعصبانه تر و لجوجانه تر برتمایلیش پافشاری کرده است. بنابراین، اقلیت متعصب، میتواند به دو شکل بر جامعه تأثیر بگذارد:

اولاً: جامعه را به هنجار مورد علاقه خودش تسلیم کند. ثانیاً: ناظر ناآگاه را، به این نتیجه‌گیری غلط بیندازد که آن چه که در جامعه رخ داده، خواست اکثریت جامعه بوده است. از نظر طالب، درک رفتارسیستم‌های پیچیده، هنوز برای ذهن انسان آشنا نیست، و برای همین است که چنین خطاهایی در قضاوت فراوان رخ میدهند. طالب این را هم اضافه میکند که تنها پیش‌نیاز موفق شدن اقلیت متعصب، پراکندگی جغرافیایی مناسب است، به طوری که در هر منطق‌های از جامعه، بتوانند

هوارکنند و خواهان ممنوعیت فلان کتاب یا فلان کنسرت شوند، یا این که از تاسیس یک هنرستان موسیقی در شهر جلوگیری کنند، اگرچه که اکثریت شهر مشکل خاصی با آن هنرستان نداشته باشد.

طالب توضیح میدهد که قاعده اقلیت، یکی از بهترین مثال‌هایی است که نشان میدهد کارکرد سیستم‌های پیچیده، تا چه حد میتواند با رفتار فرد فرد اعضای سیستم متفاوت باشد. اگر رفتار یک مورچه تنها را، هر چه قدر هم با دقت، دنبال کنید، بینهایت بعید است متوجه شوید که کل کُلی مورچه‌ها چه طور رفتار میکند. آن چه که سیستم پیچیده را از افراد آن متمایز م‌کند، تعامل میان اعضای آن سیستم است. تعامل میان افراد سیستم است که باعث میشود که رفتار سیستم، با رفتاری که افراد، یا اکثریت افراد تمایل دارند، متفاوت باشد.

مثال دیگر:

در ضیافت‌های دیپلماتیکی که ۵ + ۱ میزبان ایرانیها هستند، مشروبات الکلی سرو نمیشود، چرا؟ پاسخ را دیگر میدانید: طرف اروپایی، هم سر میز بدون مشروب مینشیند، و هم سر میز با مشروب. طرف ایرانی، فقط سرمیز بدون مشروب مینشیند. نتیجه: میز بدون مشروب در این جا هم، اگر

میکردم، یا این که راه ساده‌تر را انتخاب میکردم و آش بدون گوشت درست میکردم. فکر میکنید کدام را انتخاب کردم؟ (راهنمایی برای پاسخ به سؤال: نگارنده شیرازی است) به این ترتیب یک اقلیت متعصب، اگر به قدرکافی متعصبانه رفتار کند، بقیه جامعه را ناچار میکند که از قانون آن اقلیت تبعیت کنند. عامل حیاتی و پیش‌رنده در این قاعده، عدم تقارن است. یک طرف متقارن رفتار میکند «هم این را میخورم و هم آن را» و یک طرف اکیداً غیرمتقارن «این را میخورم، و آن یکی را هرگز نخواهم خورد».

مثال دیگر از نسیم طالب:

چرا برخی کتابها ممنوع میشوند؟ مسلماً به دلیل این نیست که متوسط جامعه چنین درخواستی دارند. بیشتر آدم‌های جامعه بی‌تحرك تر از این حر فها هستند، و واقعاً برایشان مهم هم نیست که کتابها چه میگویند. حتی اگر هم اهمیت بدهند، این قدرها اهمیت نمیدهند که بلند شوند بروند برای ممنوع شدن کتاب درخواست بدهند. به نظر میرسد که برای ممنوع کردن یک کتاب، یا ممنوع‌التصویر کردن یک آدم، کافی است تعداد کوچکی آدم مخالف، پای کار باشند. مثلاً یک تعداد محدودی آدم بروند داد و



فعالیت کرد، ولی فعالیت سیاسی در فرانسه برای به دست گرفتن قدرت در ایران امکان ندارد.

بعد از اتمام دانشکده حقوق، در ایران کار کردید؟

وقتی در ایران تحصیلاتم تمام شد وکیل دادگستری شدم. بعداً رفتم به سوئیس. مدت کوتاهی آنجا بودم و بعد هم در فرانسه برای اخذ دکترا مشغول تحصیل شدم. بعد از آن به ایران برگشتم و مدتی وکالت کردم. شش ماه قبل از انقلاب به فرانسه برگشتم و باز وکالت کردم. هفت و هشت سال پیش به خاطر گوشم بازنشسته شدم.

شما در دعواهای بین ایران و مدعیان علیه ایران بعد از انقلاب نقشی داشتید؟

خیر من هیچگونه فعالیتی در این دعوی نداشتیم. در مسایل اقتصادی و تجاری و تشکیل شرکت و امور مربوط به اقتصاد وکالت می کردم.

چه زمانی به کارهای فرهنگی مشغول شدید؟

زمانی هم که در ایران بودم به فرهنگ ایران و اشاعه آن علاقه زیادی داشتم. فرهنگ ایرانی، یعنی آیین زرتشت. ما ایرانیها این آیین و اصول اخلاقی زرتشت را به ارث برده ایم. ناخودآگاه همه



جمع شوند و حتی تظاهراتی هم بکنند، هیچ تأثیری در ایران نخواهد داشت. ائتلاف وقت است ولی از نظر روشنفکری و توجیه مسایل سیاسی برای مردم ایران، صحبت کردن، نوشتن، دور هم جمع شدن بسیار خوب است. فعالیت سیاسی زمانی است که انسان بتواند قدرت سیاسی به دست بگیرد. در مسایل اجرایی قدرت داشته باشد. فعالیتهای ما مثلاً در فرانسه نمیتواند کار مؤثری انجام دهد، و برای قدرت در فرانسه هم باید وارد احزاب فرانسوی شد. من هیچ علاقه ای ندارم در فرانسه به عنوان یک خارجی یا فرانسوی کار سیاسی بکنم. نتیجه کار سیاسی ما در این جا منوط میشود به کاری فکری. یعنی اگر روزی بخواهیم در مملکتمان کار کنیم بدانیم به چه نحوی کار کنیم و برنامه بریزیم. به این ترتیب میشود

آنها برخاسته بود. من هم در حدود ۱۹ - ۱۸ سالگی در این جریان بسیار فعال و در حزب ایران مسؤل و گرداننده سازمان جوانان بودم. در نتیجه فعالیتهای سیاسی مدت کوتاهی بازداشت شدم. فعالیت سیاسی بعد از زمانی امکان نداشت. زندگی سیاسی و اجتماعی مربوط به انسان است. در خارج از کشور فعالیت سیاسی امکان ندارد، چون نتیجه ای برای ایران ندارد. اما در ایران اگر باشم در زمینه سیاسی فعالیت میکنم. در خارج فعالیت سیاسی آن جوری که باید تأثیر ندارد. بعد از انقلاب ایرانیها فعالیتهای زیادی در خارج میکنند ولی بینتیجه بوده است.

شما چه نظری دارید؟

بله در خارج باید نظریات سیاسی داشت. ما باید در خارج فعالیتهای مکتبی بکنیم. اگر در اینجا صدها ایرانی هم

سال ۱۳۵۷، در فرانسه مشغول وکالت بودم تا هفت هشت سال پیش که به خاطر از دست دادن شنوایی از وکالت دست کشیدم و به کارهای تحقیقی، به خصوص درباره زرتشت، پرداختم. در تلویزیو نهادهای ایران مصاحبه انجام داده ام و در زمینه زرتشت تحقیق می کنم و می نویسم.

شما زندگیتان را خلاصه کردید. زمانی که در ایران دانشجوی حقوق بودید، کار سیاسی هم میکردید؟

در آن زمان من هم تابع جریانات سیاسی محیط بودم و به دکتر مصدق و جبهه ملی علاقمند بودم. دو بار هم به مدت کوتاهی بازداشت شدم. علاقه ام به مصدق به این علت بود که در مملکت ما خارجیها دخالت داشتند. مصدق ضد سیاستهای خارجی بود و به مبارزه با

تابستان سال ۲۰۱۵، فرصتی پیدا کردم تا بار دیگر با دکتر آبتین ساسانفر به گفتگو بنشینم. در این گفتگو که بیش از دو ساعت به درازا کشید، من قرین مهمان نوازی و محبتهای بی شائبه ایشان بودم. تصمیم داشتم که این گفتگو را فوراً در مجله بگذارم، ولی شوربختانه قادر به یافتن متن ضبط شده آن نبودم. از این بابت پیش وجدان خود خیلی شرمنده بودم تا اینکه چندی پیش آن را پیدا کردم و ضمن پیاده کردن حرفهای خردمندانه دکتر ساسانفر به روی کاغذ از آن بهره ها بردم.

درد بر شما، سالها پیش با شما گفتگویی داشتم. ولی همیشه دلم می خواست با شخصیت منحصر به فرد شما گفتگویی دیگر داشته باشم تا بتوانم هم از نظر اجتماعی و هم از نظر انسانی و فعالیتهای خیریه جنابعالی برای خوانندگان خود بیشتر بنویسم. با شرح کودکی و تحصیلاتتان شروع کنیم.

بسیار متشکرم از محبتتان، من متولد تهران هستم و تحصیلات ابتدایی، متوسطه و لیسانس حقوق خود را در تهران به پایان بردم و بعد در سوئیس و فرانسه دکترای حقوق گرفتم و به تهران بازگشتم و به وکالت مشغول شدم. بعد از تحولات ایران در



ایرانیها خصوصیات اخلاقی زرتشتی دارند. الان هم میبینید از نظر ظاهری، در خیلی جاها در شهرها و دهات با روشن شدن چراغ صلوات میفرستند. مردم به نور اهمیت میدهند. ایرانیها قبله شان نور است. این که می‌گویند ایرانیها آتش پرست هستند، به این دلیل است که به نور و روشنائی احترام میگذارند. در سالهای گذشته دوستی داشتم که استاد بزرگ اوستاشناسی و ایرانشناسی در بلژیک بود. باهم میرفتیم برای یادبود سال همسرش، روی گورش گل بگذاریم. دیدم که روی سنگ قبرها شعله های آتش است. گفتم که شعله های آتش مال ما ایرانیهاست. گفت خیر. نور متعلق به همه جهانیان است. ایشان آقای دوشن، از بزرگترین اوستاشناسان دنیا، میگفتند نور که فکر میکنید ایرانی به آن علاقه دارد، نور جنبه خدایی ندارد، جنبه احترام دارد. من که از زمان

جوانی به هویت زرتشتی خود علاقمند بودم، فعالیت در این زمینه را آغاز کردم و هنوز هم همچنان مشغولم.

شما میگویید فرق دین و آیین چیست؟

من فکر میکنم دیانت زرتشتی، فرق آیین با دیانت زرتشتی البته زرتشت دارای یک مکتب فکری و فلسفی است. دین زرتشتی به آن معنی که دینهای ابراهیمی مثل اسلام، مسیحیت و یهودی هستند، نیست. آیین ایرانی زرتشتی دینی است بر مبنای خرد و خردگرایی. هیچ نوع روایت و یا داستان و یا مسایل پنداری وجود ندارد. در سایر ادیان مسایلی هست که وجود ندارد، ولی در آیین زرتشت در گاتاها، نه در اوستا، چون در آیین زرتشت باید به یک نکته مهم توجه کنیم که آیین و اصول فکری زرتشت فقط در گاتاها وجود دارد. آورده اند گاتاها را در اوستای جا

داده اند. این اوستای موجود که دارای پنج بخش است یسنا. اوستای ویشا که همه منضمات اوستا است، هیچ ربطی به زرتشت ندارد. فقط گاتاها مربوط به زرتشت است. من در این مورد مطالعه میکنم و سایر قسمتهای اوستا و منضمات، مربوط به ایران باستان بوده که در اوستا جا داده اند و آن هم دلیلی دارد که اگر بخواهید دلیلش را برایتان میگویم.

بله، من هم همیشه فکر میکردم اوستا کتاب مذهبی زرتشتیان است. نه، نگاه کنید. آیین زرتشت در ایران وجود داشته. هخامنشیان، در سال ۳۳۱ پیش از میلاد از اسکندر شکست خوردند و منهدم شدند و بعد مدت زیادی دین زرتشت از مرکزیت خارج شد و تقریباً از بین رفت. اشکانیان به آیین ایرانی توجه پیدا کردند. چون دین زرتشت مرکزیت نداشت تمام دینهای ایرانی از جمله میتراپی، زروانی و ادیان آریایی سابق رشد یافتند و یک اختلاف دینی شدیدی به وجود آمد. این اختلافات تا زمان ساسانیان ادامه داشت. در زمان ساسانیان، چون آزاداندیشی جزو میراث اجتماعی ایرانیها بود به هیچ دینی اعتراض نمیشد. اختلاف دینی وجود داشت، ولی باهم دشمنی نداشتند.

عده زیادی هم از ایرانیان مسیحی شده بودند. چون بین ایران و روم مرتب جنگ بود. ایرانیهایی که به جنگ رومیها میرفتند و مسیحی بودند به گروه دشمن میپیوستند. این مسأله باعث یک بحران و ناراحتی در ایران شده بود و این اختلاف جنبه سیاسی پیدا کرده بود. و مردم - مردم مسیحی و ادیان مختلف با مرکزیت ایرانی مخالفت میکردند. این بود که دولت ساسانی تصمیم گرفت که یک کتاب دینی واحد برای ایرانیها تهیه کند. البته این اقدام از زمان اشکانی ها شروع شده بود که اصول مذهبی را جمع کنند. ولی در زمان ساسانی ها از اردشیر بابکان تا زمان شاهپور دوم یعنی سیصد سال طول کشید تا این اوستا جمع شود. این اوستا تمام آیینهای ایرانی غیر زرتشت را در خودش جمع کرده بود. دین زرتشت یعنی گاتاها را در یسنا جای دادند. این گاتاها که حدود هفده فصل است از فصل بیست و هشتم به بعد یسنا جای دارد و مابقی مسایل و منضمات ربطی به زرتشت ندارد. بنابراین در اوستای بی که داریم، یشتها و یسنا به غیر از گاتاها، هیچ ارتباطی به دین زرتشت ندارد.

برنامه بعدی شما چیست؟ چه پروژه‌هایی در پیش دارید؟

برنامه بعدی من این است اگر امکان داشته باشد در تاجیکستان مرکزی به اسم خانه زرتشت درست بکنم. اقدامات کمی را تا به حال انجام داده‌ایم.

خیلی ممنون از وقتی که به ما دادید. اگر دوست دارید چیزی اضافه کنید خوشحال می‌شویم.

آقای احکامی، من می‌خواهم بگویم این کاری که شما می‌کنید، یعنی انتشار «میراث ایران»، یک کار اساسی برای ترویج فرهنگ ایرانی است. من خودم وارد هستم که اداره یک روزنامه و یا مجله کوچک چقدر زحمت دارد. شما با تمام مشکلاتی که دارد از نظر شغلی و شخصی این مجله آبرومند را منتشر می‌کنید. من توفیق شما را آرزومندم و امیدوارم که بتوانید این کار را به همین ترتیب درست ادامه بدهید و پیروزی شما را خواهانم.

سپاس فراوان و خیلی ممنون





Avicenna Accounting & Tax Services The Best Public Accounting & Tax Services Firm

- Preparation corporate & individual tax
- Preparing & reviewing income statement
- Preparing & reviewing balance sheet
- Auditing
- Preparation of financial forecasts
- Preparation of financial projection plan

8500 Leesburg Pike, Suite #203, Vienna, VA 22182
 Telephone: (703) 448-6655
 Fax: (703) 448-6656
 www.aviact.com
 email: info@aviact.com

Open
7 Days
A Week
11 AM - 10 PM

HATAM Restaurant Since 1990

Lunch Special
Monday - Friday
11 AM - 3 PM

رستوران حاتم

در شهر آنهام

با غذاهای خوشمزه ایرانی در محیطی گرم و خانوادگی

کیتترینگ

جشنها و میهمانیهای شما با کلیه امکانات



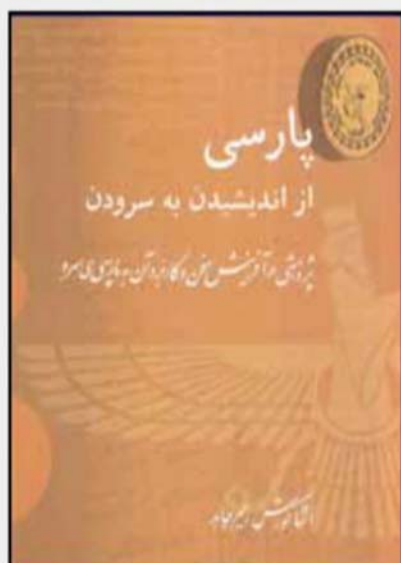
با مناسبترین قیمتها و تخفیف مخصوص برای زرتشتیان

رستوران حاتم
در شهر آنهام

1112 N. Brookhurst Street
 Anaheim, CA 92801
 (714) 991-6060



Fax: (714) 991-0420



پارسی

سخن پارسی گزینش اوست
پارسی رهگشای بینش اوست

آنکه ایرانی است و میهن دوست
گر زتازیگری رها گردد

در این رزم اهریمن خیره سر
 که باشد ترا پای پیکارگر
 ز هر تیغ برنده برنده تر
 خرد ورز و بینشور و دادگر
 به ایران دمی سازمانی دگر
 به شیرو به خورشید رخشنده فر
 پارسی از اندیشیدن به سرودن

تو ای پور ایران پیروزگر
 ترا دست روزی بود کارگر
 زبان سخن گفتن پارسی
 که پیروزمندانه رزم آوری
 براندازی آیین نا بخردی
 که ایران زمین باز یابد شکوه
 پارسی از اندیشیدن به سرودن

پژوهشی از دکتر امیرجاهد در پارسی سَره برای دوستاران پارسی پاک
 در این پژوهش بنیاد های زبان شناسی، انگاره ی نوین پیدایش سخن، دستور زبان
 پارسی سره بی واژگان تازی، شناخت پارسی از نا پارسی، روش های پارسی گوئی
 و پارسی نویسی، و بر رسی سنجشگرانه ی سرودگان پارسی از گزیده سخنسرایان
 باستان و همزمانان گرد آمده است. دوستاران پارسی سره میتوانند آن را از شرکت
 کتاب در لوس آنجلس ketab.com و یا از amazon.com خریداری نمایند.



مهرگان خجسته باد

GOOD THOUGHTS

GOOD DEEDS

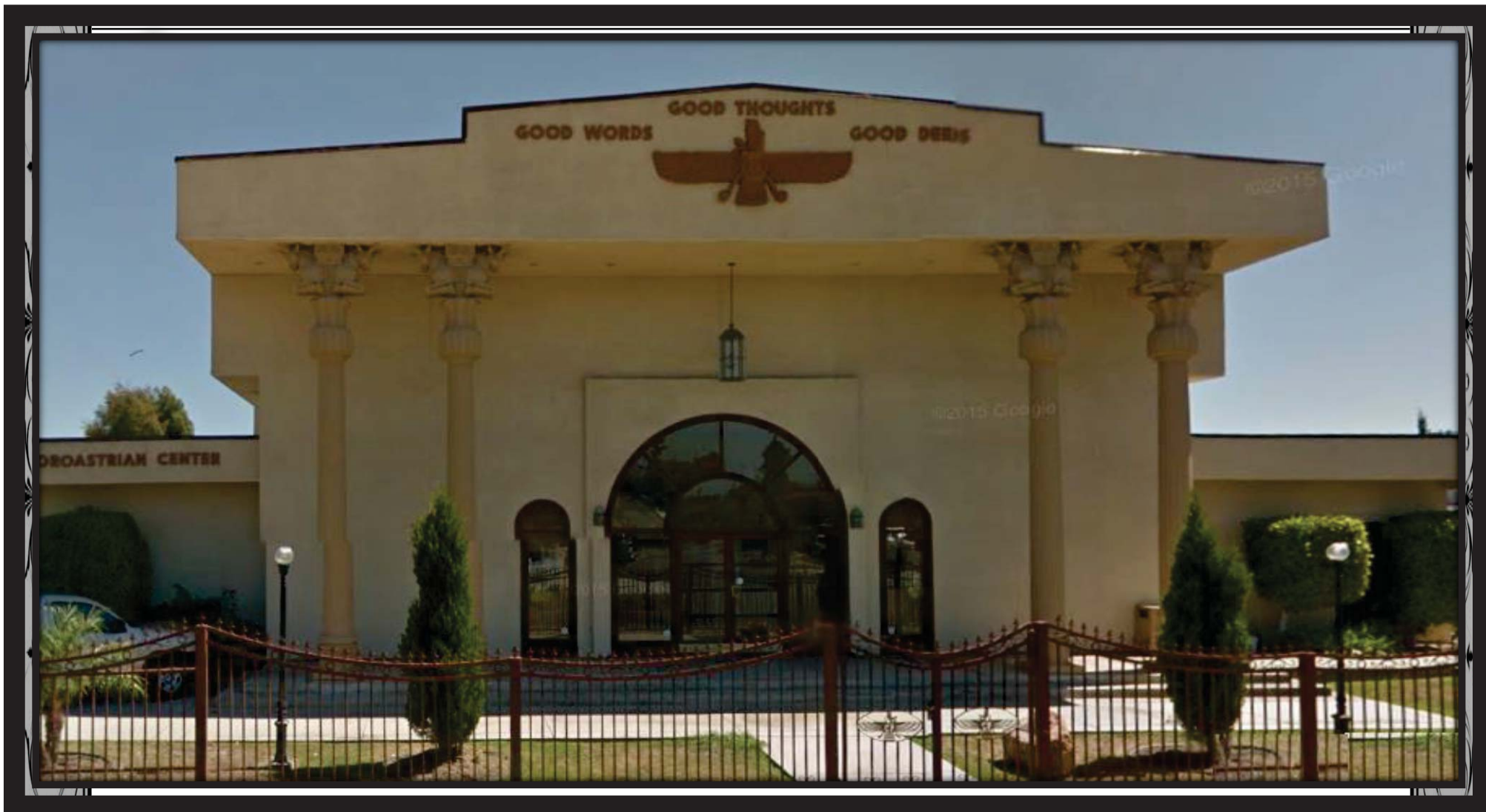
GOOD WORDS



The Zoroastrian Journal
CALIFORNIA ZOROASTRIAN CENTER
FALL 2017, 3755 ZOROASTRIAN
Issue 30



Mehregan



Topics:

Religions, Culture, Social, Science, History, News...

Senior Editors:

Mobed Bahram Deboo
Shahrooz Ash
Nasrin Oribeheshti
Mehrddad Mondegari

Authors/Writers

Dr. Niaz Kasravi
Mobed Behram Deboo
Roshan McArhtur
Dr. Ali Jafarey
Shahrooz Ash

Director and Publisher:

California Zoroastrian Center (CZC) A Non-Profit
Organization

Graphic, Design and Layout:

Mehran Felfeli

Printed by:

LA WEB PRESS

Email: info@czcjournal.org

Tel: (714) -893-4737

Fax: (714) - 894- 9577

www.czcjournal.org

Mazda [Wisdom]; is the Zarathustrian Deity or God.

Asho Zarathushtra Spitaman in the Gathas states that he is: Mantra/thought-provoker, Zotar/invoker and Ratu/teacher. Zarathurstrians believe in Good Thoughts, Good Words, and Good Deeds.

The Zarathushtrian sacred text is called the Avesta. The five Gathas in the Avesta are the very divinely inspired words of, Asho Zarathushtra Spitaman; the holiest of the holies. The

Zarathushtrian vision is the first scientific view in terms of; ethics, metaphysics and epistemology, dating back somewhere between 4 to 8 thousand years. According to

Zarathushtra there is only one deity, Mazda/Wisdom worthy of: worship, praise and celebration. True Zoroastrians follow the path of Asha (righteousness), one should choose

to the right thing because it is right. Our belief teaches us to respect these four elements: Water, Fire, Air and Earth because they sustain human life. Zarathushtra says that the divine is present within each one of us and in all things. This divine flame should not be

contaminated, but sustained by good thoughts, good words and good deeds. In the Avestan text Yasna 17.11, Zarathushtra expresses his beautiful thought by speaking of the fire in all things, the fire within each one of us. If the divine is present in all of us, then one

must accept that Humans are divine, sacred and holy. In fact all beings with life are a

Zarathushtra is the first person to advocate freedom of choice; this is why Zarathushtra is known to be the father of free will.

“Zoroastrianism has been identified as one of the key early events in the development of philosophy.”

Blackburn, Simon (1994). The Oxford Dictionary of Philosophy. Oxford: Oxford University Press.

California Zoroastrian Center

8952 Hazard Ave. Westminster, CA 92683

Email: info@czcjournal.org

Tel: (714) -893-4737

Fax: (714) - 894- 9577

www.czcjournal.org



Cover History

- MY ENCOUNTER WITH AN INTELLECTUAL GIANT ...PG 4

News

- INAUGURATION OF A NEW DAR-E-MEHR IN SACRAMENTO ... PG 5
- ZERBANOO GIFFORD: AN UNCENSORED LIFE ... PG 5
- FEZANA BESTOWS LIFETIME ACHIEVEMENT AWARD ON ERVAD DR. JEHAN BAGLI ... PG 6
- RETURN TO ROOT ... PG 6
- A MONUMENT TO FREEDOM ... PG 7

Gatha

- ATHRA, THE ILLUMINED FIRE OF MAZDA IN GATHAS ...PG8

Humanity

- THE NEED TO GET UNCOMFORTABLE ...PG 9

Culture & History

- THE HISTORY OF MEDICINE IN ANCIENT PERSIA (Part II) ...PG10

General

- THE ZOROASTRIAN RENAISSANCE IN IRAN – PART II ...PG 11
- NATION’S FIRST PARSİ JUDGE APPOINTED TO LOS ANGELES SUPERIOR COURT ...PG 11
- HOW TAGORE EULOGIZED THE PROPHET ZARATHUST ...PG 12
- U.C. SAN DIEGO NAMES SCIENCE BUILDING ‘TATA HALL FOR THE SCIENCES’ ...PG 13

Just like Now Rooz is the celebration of the Vernal Equinox, Mehregan is the celebration of the Autumnal Equinox – which this year happened at 20.02 UTC time, on 22 September 2017. This corresponds to 13.02 PDT, 16.02 EDT, and 23.32 Iran Std. Time. Therefore, Mehregan was on 23 September, the first of Mehr, the first full day of autumn all over the world. The Zarathushtis, due to persecution, genocide and cultural cleansing by the Arab invaders, lost track of their ancient calendar which earned the title of the most ‘perfect calendar’ in the world. This calendar is described in the Bundahisn. Modern Zarathushtis have instead ended up with three different calendars, none of which is accurate, and consequently they have lost sight of the reason behind the celebration of the Mehregan festivals. Even the Fasli calendar followed by some is not really a seasonal calendar as the name may suggest because, according to it, autumn starts on 17 September, six days ahead of the actual season. This confusion has made them elect an arbitrary day later in the month of Mehr to celebrate Mehregan for a host of arbitrary reasons other than the Autumnal Equinox. Zarathushtis who were forced to convert to Islam managed to preserve two of the festivals and celebrate them at the proper time and for the right reasons: Now Rooz on the Vernal Equinox and Yalda on the Winter Solstice. They also managed to bring back their ancient calendar exactly as described in the Bundahisn. They dedicated it in 1079 CE, to the then king and called it the Jalali Calendar. This calendar had its ups and down and finally, in 1925 during the reign of Reza Shah, the parliament accepted it as the official calendar of Iran.

In Iran lately, the Zarathushtis have started using this calendar but have superimposed the 30 names of the days, creating even greater confusion. So instead of celebrating Mehregan on the 17 of Mehr of the Fasli calendar, they celebrate it on the 10 of Mehr of the Jalali calendar, none of which is correct.

Let’s celebrate the Autumnal Equinox like we celebrate the Vernal Equinox. Let’s celebrate Mehregan on 23 September, the first of Mehr, as per the Mazdayasni Calendar described in the Bundahisn.

Let’s honor the wisdom and science of our ancestors.

California Zoroastrian Center

Zoroastrian Journal

Chase Bank

Acc # 421,334675,6

HAPPY Mehregan





Cover History

MY ENCOUNTER WITH AN INTELLECTUAL GIANT, PROF. KAIKHOSROV IRANI

BY
SHAHROOZ ASH



One of my most memorable experiences – meeting with Prof. Kaikhosrov Irani. The year that I had the privilege of coming to know Prof. Kaikhosrov Irani was in 2005. I was a student at UCLA studying philosophy. I came to know about Prof. Irani through the Zoroastrian community and discovered that he was an intellectual giant. He was a retired philosophy professor from City College of New York, and for the last nine years of his employment he was the president of the faculty. I don't want to get into much detail or micro information in terms of his academic credentials and achievements because it will leave me no writing space for this expression of my experience with him. I was anxious waiting to encounter him and felt a little intimidated; thinking that perhaps I lacked knowledge of the issues that I wanted to discuss with him. I traveled

from California to New York City to visit him on two separate occasions. On the first trip, I arrived late evening in New York and headed to my hotel room. The next morning I arrived at his home and rang his door bell. He opened the door and kindly welcomed me in. We exchanged greetings, and I stepped inside the foyer of his home. I immediately noticed that the view of the spacious home was completely obstructed by mountains of books piled from the floor to the ceiling. He was very warm and hospitable, and instantly made me feel at ease in his presence. He offered to make me tea, but I insisted that he relax while I made the tea. He accepted and showed me where the tea, sugar and milk were kept in his kitchen. I expressed to him that my plan was to return to New York in a few months with a camera crew, sound, and light person to record him. My interests were to discuss: the origins of philosophy, good and evil in Zoroastrian belief, free will, body and mind, Middle Platonic Thought, the separation of church and state, Cyrus the Great, and Zoroastrians-by-choice. He accepted my requests. We briefly discussed these topics and philosophy in general for three to four hours before I said goodbye and we parted ways. I was absolutely amazed at the level of his knowledge, the clarity of his thoughts, and his use and command of language. The excitement of my experience with him that

day prevented me from sleeping that night; contemplating the mechanics required for the interview with this brilliant person on camera. I knew that Prof. Irani had three PhDs in chemistry, physics and philosophy. He became Emeritus Professor of Philosophy at the City College of New York, after teaching there for 41 years. He was chairman of the department for nine years. He was also the director of the Academy of Humanities and Sciences for 12 years. Prior to his employment there, he worked on some projects as a young man with Albert Einstein. Einstein gave Prof. Irani a good recommendation letter for academic employment. He was also very fond of the great thinker Emanuel Kant. Prof. Irani's knowledge of Zoroastrianism, particularly the Gathas, and his ability to place the subject in the wider space of the history of philosophy yielded much fruit for the community of philosophers. He had a firm belief in the teachings of Zarathushtra and was dedicated to the Zarathushtrian principles. He stood up against Zoroastrian communities that had gone astray from Zarathushtra's original teachings, by replacing the philosophy with mythical rituals unrelated to the cohesive message of the Gathas. His academic genius enabled him in a unique way to present and teach the message of Zarathushtra in a very simple form that any person could grasp. He taught

in a clear and coherent manner that most people could easily understand. We are fortunate to inherit his legacy as a mastermind in the rank of great philosophers. One of the things that stuck with me the most about Prof. Irani was that he was such a humble, down-to-earth, and good-natured person. He always made you comfortable being around him. I was very surprised by his demeanor; he was not at all an egocentric or cocky person in any way, shape, or form. The way he communicated with me was as an equal. His kindness is something that I will not forget. He had great sense of humor, was quick to laugh and had a warm smile. A few months later, I returned to New York, and we met at the film location, which was a library in New York. A camera, sound, and lighting crew all came in preparation for the filming. I began my interview with him, and all of his responses were mind-blowing. He was a true genius and a prodigy in the true sense, the way he presented each topic was seamless. After filming, we went out for dinner and picked up on our last conversation regarding Zoroastrians-by-choice. He showed strong feelings that Zarathushtra's vision is for all mankind, hence universal. He rejected all notions of tribal thinking and was an advocate of individualism; which is the core of Zarathushtra's thinking. All of his thoughts appeared utterly fascinating to me, and I eagerly listened. He

seemed to know every answer to every question I asked him. His knowledge never ceased to amaze me. My interaction with him was so familiar and comfortable that I felt like I had known this man for all of my life. He was a fatherly figure in the community. As we embraced each other for the last time, I hoped that I would have the opportunity to see Prof. Irani again, to possibly collaborate with him one more time. Upon my return to Los Angeles, I eagerly started the editing process of the documentary. A few years later, I decided to post the documentary on public domains such as YouTube for other people to watch. Approximately 40,000 people view the film annually. I am so fortunate to have had the opportunity to be mentored by Prof. Irani. I am also so grateful to have an outlet to share this documentary about Zoroastrianism with the public. Prof. Irani had so much to offer the world. I will keep him in my thoughts forever. The Zoroastrian community has taken a great loss in his passing, but his profound achievements and accomplishments will be praised and cherished forever. He was a wise, humble, and intelligent person. Blessed are those who crossed paths with this true Star of Wisdom. His everlasting legacy will continue to impact many lives for the better.

To view the documentary, follow this YouTube-link:
<https://www.youtube.com/watch?v=3s1t0hr14pE>



News

INAUGURATION OF A NEW DAR-E-MEHR IN SACRAMENTO

SOURCE:
FEZANA
BULLETIN,
APRIL 2017

was donated by the Wadiaji Atash Behram with the help and assistance of one of their trustees, Mr. Nadir Modi.

FEZANA president Homi Gandhi from Los Angeles, and past presidents, Firdosh Mehta and Bomi Patel attended the inaugural festivities. After the jashan, and partaking of chasni comprising of fruits, nuts, malido, sev and ravo, the



about \$250,000 collected in three months, along with a loan of \$350,000 from a generous Zarathushti.

The organization was then registered as the Sacramento Zoroastrian Association, and the construction of the Dar-e-Mehr took about 1.5 years, with the funding from Hong Kong under the project management of Mehran Torki, then president of the SZA. The main challenges encountered in the construction were the completion of the detailed plans and getting the approval from the City and fire departments.

Mr. Pashutani also recognized major donors and families involved in the completion of the Dar-e-Mehr. Similar sentiments were also expressed in Farsi by the SZA president, Mrs. Manijeh Behziz.

The mobeds who performed the jashan were then presented awards of recognition, along with Gustad Irani, a representative from Hong

Kong, for his support and assistance.

Homi Gandhi gave a talk on the various activities and charities of FEZANA and also presented a donation from the association. He recognized the past presidents who were present for the opening and mentioned that within a period of 12 months, three Dar-e-Mehrs had been established, including the ones in New York and Los Angeles, completing an amazing period where Zarathushtis in North America laid down roots and inaugurated new houses of worship.

Some dance items were then presented by young Zarathushtis, followed by a banquet of Iranian and Indian dishes.

The night was brought to a close after some music and dancing and people exchanging greetings to celebrate and wish each other a happy Jamshedi Naoroze.

ZERBANOO GIFFORD: AN UNCENSORED LIFE BY FARIDA MASTER

VISIT THE ASHA
CENTRE AT
WWW.ASHACENTRE.ORG
SOURCE:
PARSIKHABAR.NET

An Uncensored Life by seasoned editor Farida Master is a compelling biography of the human rights campaigner Zerbanoo Gifford. A game changer at the heart of the women's movement, an author of numerous history books on our shared heritage, Zerbanoo is the founder of the ground-breaking international ASHA Centre for the empowerment of young people.

Born in India, Zerbanoo moved to London at the age of four. By her early thirties she had become a pioneer for Asians in British public life. She chaired committees, advised political leaders and was the first Asian woman to stand for Parliament, having made history being elected onto Harrow Council. Both local and global in her determination to see real change, Zerbanoo worked for the homeless charity



On March 26, 2017, the auspicious day of Khordad Sal, about 270 Zoroastrians from near and far gathered at the Sacramento Zoroastrian Center in Rancho Cordova, California, to inaugurate a new Dar-e-Mehr for the Sacramento Zoroastrian Association (SZA), with a jashan performed by seven mobeds.

The dream of constructing the Dar-e-Mehr was made into a reality by a very generous donation from the trustees of the Hong Kong Zoroastrians. The afarganyu

gathering moved to a banquet facility nearby for dinner as the main Center building is currently under renovation and upgrade, with that completion expected this year.

The gathering was welcomed by Khodadad Pashutani, the vice president of the Sacramento Zoroastrian Association. In his welcome speech, Mr. Pashutani mentioned that the Zoroastrian Women Organization had initiated the purchase of the property in 2014 with donations of



News



of the challenges.”
 For philanthropist Meera Gandhi, “Zerbanoo has helped to empower women to take their rightful place in the international arena. Her story reads as a modern tale of shakti power.”

And for industrialist Ratan Tata, “This biography of a remarkable lady reflects the momentous changes of our age and the importance of investing in the future of the world’s young.”

Ranging from funny to fascinating, spiritually uplifting to downright outrageous, Zerbanoo’s life stories illustrate the challenges facing women in the modern world, but also the triumphs and possibilities available to those open to life.

As publisher and film producer Nari Hira says, “This amazing biography by the talented editor Farida Master is meticulously crafted; each word, each sentence, each paragraph is riveting.

From the first page to the very last sentence this biography is unputdownable.”

‘SHELTER’ and was director of ‘Anti-Slavery International’ the oldest human rights organization in the world.

Overcoming racial attacks, political disenchantment, legal battles against the Government and a near-death experience, Zerbanoo’s is a gripping story of a fearless woman who has held fast to the causes of equality and global justice. Her story spans a period of unprecedented social change in Britain. Described as a warrior princess, she is also known as a cosmic networker, connecting people of all backgrounds, faiths and traditions in celebrating our humanity.

In the words of Bishop Desmond Tutu: “Zerbanoo’s vision has led to alternative ways to make a real difference in the world – and she trod that path, regardless

FEZANA BESTOWS LIFETIME ACHIEVEMENT AWARD ON ERVAD DR. JEHAN BAGLI

SOURCE: FEZANA

At a glittering 30th Anniversary Gala in Houston, Texas, FEZANA bestowed a Lifetime Achievement Award on Ervad Dr. Jehan Bagli. The Gala was hosted by the Zoroastrian Association of Houston at its center, along with their Congress Legacy 10th Anniversary awards function.

All the seven past presidents were present, along with the current president Homi D. Gandhi, to honor Dr. Bagli. In



his acceptance speech, Dr. Bagli thanked the community for giving him the opportunity to serve.

He dedicated the award to his wife Freny who was present on this momentous

occasion along with his son Darius. In a moving acceptance speech, he spoke about his humble upbringings and his journey from India to Canada.

Dr. Bagli also inaugurated the 30th Anniversary Issue of the FEZANA Journal, and the Journal chief editor Dolly Dastoor said it was fitting that the Journal’s very first editor would inaugurate this 30th anniversary issue.

Immediate past President Katayun Kapadia was the master of ceremonies for the evening when FEZANA also launched its new logo design. A retrospective of FEZANA’s work over the past few years was presented to the audience.

Local Houston kids performed various entertainment items to cap off a memorable evening.

Pictured left to right: Rohinton Rivetna, Dolly Dastoor, Framroze Patel, Firdosh Mehta, Ervad Dr. Jehan Bagli, Rustom Kevala, Bomi Patel, Katayun Kapadia and Homi Gandhi

RETURN TO ROOT SOURCE: FEZANA/ZOROROOT.ORG

FEZANA has been associated with the Zoroastrian Return



to Roots Program since its inception in 2013. And this year we signed a memorandum of understanding with the Return to Roots Parzor to continue this amazing collaboration.

Over the last three trips, over 45 Zoroastrian youth from all over the world have had an opportunity to participate in these tours. Young adults between the ages of 22 and 35 spend about 14 days in India experiencing Zoroastrian life, culture, history and religion, and meeting amazing folks and their own peers.

If you know of any young adults, we urge you to ask them to apply for this



News

transformative and life-affirming program.

Zoroastrian historical, religious, cultural, and archaeological sites in India

and realize the influence Parsis have had on modern-day India. Fellows also understand and experience first-hand the meaning behind our long-standing religious customs and traditions.

Fellows from previous trips returned from India with a deep understanding and appreciation for our small but powerful community. They are becoming more involved with their local Zoroastrian associations, giving back to the community, and encouraging



Zoroastrian Return to Roots 2017 Application Open.

The Zoroastrian Return to Roots Program is pleased to announce the opening of applications for the Return to Roots 4 Trip scheduled to take place from 22 December 2017 to 3 January 2018. This will be the fourth tour after the first three very successful tours in 2013-14, 2015 and 2016.

over a trip of 13 days. The itinerary will take participants to Mumbai and Gujarat. The tour in 2017 is unique since it will overlap with the Iranshah Utsav in Udvada in December 2017.

The aim of Zoroastrian Return to Roots is to bring together young Zoroastrians from across the world between the ages of 22 and 35; to return to their roots, reconnect with their culture

and revive the community. Participants ('Fellows') will explore various significant



and revive the community. Participants ('Fellows') will explore various significant

have participated. Another aim of the trip is for participants to understand



other youth to participate in Return to Roots.

Applications close on November 15, 2017.

We encourage applicants to apply before the deadline, using the following link: <http://zororoots.org/apply/> and approach their local community members and associations for funding and sponsorship. Applications are accepted on a rolling basis. Visit the Return to Roots website at

www.zororoots.org.

If you have any questions prior to applying, please email apply@zororoots.org.

A MONUMENT TO FREEDOM

The Freedom Sculpture, an Iranian-American, crowd-supported monument to cultural diversity and



inclusiveness, was gifted to the City of Los Angeles, on July 4th, 2017.

Described by its originators, LA-based non-profit the Farhang Foundation, as "a Statue of Liberty for the West Coast", it was inspired by the ideals of freedom, respect for cultural diversity and inclusiveness that date back to Cyrus the Great 2,500 years ago – the same ideals that are also included in the US Constitution. The sculpture was funded by around 1.1 million supporters all over the world, rather than by individual large donors – a deliberately populist decision.

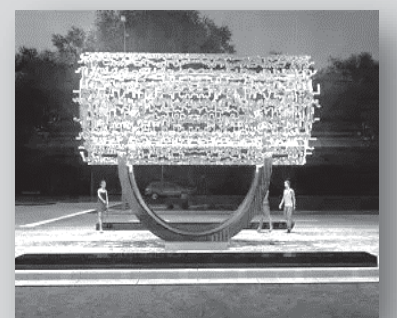
Designed by artist Cecil Balmond, it was chosen from more than 300 designs and comprises a pair of gold and silver

cylinders, on top of gold rings and a travertine stone base. It's intentionally evocative of the famous Cyrus Cylinder, unearthed by the British Museum in 1879.

The sculpture is, says Balmond, meant to be seen at speed – which befits its location on busy Santa Monica Boulevard in Century City. Upon its unveiling, he told the Los Angeles Times, "As you drive

by at 30 to 40 miles an hour, you feel the script moving. It's not static... When you move past, it's alive."

The sculpture was unveiled during a Freedom Festival on July 4th, an event the Foundation hopes to repeat annually. According to founding chairman Ali Razi, the date is significant. Cyrus the Great, he says, let people practice their own religion. "He was the first to put together a multinational empire based on freedom of religion."





Gatha

ATHRA, THE ILLUMINED FIRE OF MAZDA IN GATHAS

BY
MOBED BEHRAM
S. DEBOO

To Zarathushtra, athra, atar or Atash has a meaning that conveys a deeper meaning when it's related to Mazda Ahura. He is talking about the fire of Mazda, the divine light that shines in the heart of his as well as immanent in this creation from the very beginning of the Cosmos to an endless horizon that no one knows or can predict.

In Yasna 31.3, Zarathushtra request Mazda to grant both him and his followers the joy that is blissful through the mental sprit, His fire and Asha.

In yasna 31.3, Ýãm1 dã2 mainyú3 athrâchâ4 - ashâchâ5.6 chôish7 rânôibyâ8 khshnûtem9 hyat10 urvatem11 chazdôñghvadebyô12 tat13 - nê14 mazdâ15 vídvanô16 vaocâ17 hizvâ18 thwahyâ19 ânghô20 - ýâ21 jvañtô22 víspêñg23 vâurayâ24.

And grant2 the blissful joy9 which1 you have promised7 to both the followers8 through the mental spirit3 and fire4 of (yours) and5 Asha6.

Afterwards10 both12 will have that13 wisdom of discernment12 of the decrees.11 O Mazda15, speak17 to us14, for (our) knowing16, with the tongue18 of Your19 (Thy) mouth, so that20 I may convert24 all23 the living22 to believe24. (B. Deboo)

Through the fire of Mazda, one recognizes, understands and determines what is pronounced.

Zarathushtra in this verse personifies Ahura mazda and uses a metaphor to speak with His tongue so that he may convert all the living to believe in Asha.

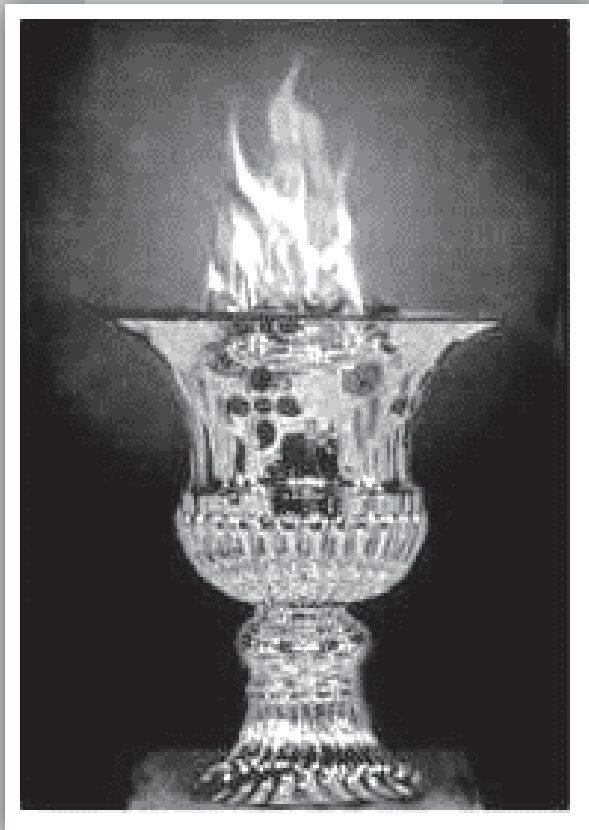
In Yasna 31.19, Gûshtâ1 ýê2 mañtâ3 ashem4 - ahûmbish5 vídvâ6 ahurâ7 erezhuxdhâi8 vachanghâm9 - khshayamnô10 hizvô11 vasô12 thwâ13 âthrâ14 sukhrâ15 mazdâ16 - vanghâu17 vídâtâ18 rânayâ19.

Whoever2 listens1 and meditates3 on Truth, O Ahura7, becomes6 a life-healing5 wise6 person6 with command10 over tongue11 for (speaking) truthful8 words8 at will12.

Through your13 glowing15 fire14, you hand out18 good17 (justice) to both the parties19.

Here Zarathushtra confirms that Mazda is the judge of our actions and accordingly he dispenses justice which is good and fair. In Asha Vahishta yasht, the healing by truth is called Asha baeshozo, healing by prayers is Manthro baeshozo, and healing by justice is Dato baeshozo. Many people have been victimized and when proper justice is handed out to the victimizer, the healing comes to them.

In yasna 33.12, Zarathushtra prays to Ahura Mazda, "us-



môi1 uzâreshvâ2 ahurâ3 - ârmaitî4 tevîshîm5 dasvâ6 ." Arise2 within me1, O Ahura3, grant6 the spiritual strength5 through Armaiti4 . Here Zarathushtra prays for the fire of Ahura Mazda to arise within him.

In yasna 43.9, Zarathushtra offers his homage to the fire of Mazda. In yasna 43.4, Zarathushtra says:

at thwâ mênghâi taxmemcâ speñtem mazdâ

hyat tâ zastâ ýâ tú hafshî avâ ýâ dã ashîsh dregvâitê ashâunaêcâ thwahyâ garemâ âthrô ashâ-aojanghô hyat môi vanghêush hazê jimat mananghô.

Translated:

Wise One, I realize You to be powerful and progressive because You help with Your own hand.

You give rewards to both the wrongful and the righteous by means of the warmth of Your fire which is mighty through righteousness, and through which strength of good mind comes to me. (Jafrey)

It is clear that Mazda gives rewards to both parties, truthful and untruthful by the heat of the fire which is strong through Asha.

When we perform the Koshti prayer, we pray: Kêm1-nâ2 mazdâ3 mavaitê4 pâyûm5 dadât,6 hyat7 mâ8 dregvâ9 dídareshatâ10 aênanghê11 anyêm12 thwamât13 âthraschâ14 mananghaschâ15,16 ýayâ17 shyaothanâish18 ashem19 thraoshtâ20 ahurâ21

tãm24 môi25 dâstvãm25 daênayâi26 frâvaochâ27. (Yasna 46.7)

What1 person2, O Wise One3, gives6 me7 protection8 when7 the evil person9 stares fiercely10 at me8 for harm11, other than121 Your13 Fire14 and16 Mind16?

Through these two17 deeds18 righteousness19 flourishes20, O Ahura21!

Declare27 clearly27 to me25 that24 knowledge25 of inner-self26 to me25. (B. Deboo)

In Atash Niyaesh, we pray: "nemase tê âtarsh mazdâ ahurahe hudhâ mazishta ýazata." It means, "Homage to you, O Fire of Ahura Mazda, O good created, great Yazata."

Here we are asked to pray to the Fire of Mazda Ahura which is very clear. Later it becomes putha, the son of Ahura Mazda. Probably, all physical fires in the cosmos are His creation. However, Ardeshir Papekan, the founder of the Sassanian dynasty started the cult of Verahram (Behram), the divinity responsible in helping to win the war. So, every time he won a war, he built the Fire Temple and named Atashe Verahram. Thus, there was a beginning of atash Behrams which continued thereafter even though we lost Iran to Arabs and Mazda yasna to Islam. In the end, I would pray that if we are the followers of Mazda Ahura, we should build the Fire Temple in His name.



Humanity

THE NEED TO GET UNCOMFORTABLE

BY DR. NIAZ KASRAVI

The events that took place in Charlottesville, VA this summer reveal that the problem of racism and white supremacy in America is not a thing of the past, but a very real and substantial societal ill that must be dealt with consciously, deliberately, and consistently. The U.S. presidential election of 2016 came at the height of a period when violence and brutality against people of color, particularly African Americans, had become a main focus in mainstream and social media outlets. Emotions and tensions escalated at protests demanding justice for the routine killing of young, unarmed black men by law enforcement, as time and again courts of law failed hold anyone fully accountable. The formation of Black Lives Matter and the Movement for Black Lives was met with aggressive resistance from the conservative, majority white community, who felt threatened, misinterpreting the demand that the justice system treat black live with the same value as others, falsely thinking that the slogan “Black Lives Matter” implies that other lives do not. The problem with this view lies in believing that all communities are indeed equal, and that the white community as a whole is lagging behind other

communities in the U.S. Though people of all ethnic and racial backgrounds experience human suffering, poverty, hopelessness, crime, illness and violence, statistics show that the scales are often tipped against people of color and minorities across the board. Many examples support this fact. Of the 32.2 million nonelderly people who are uninsured, 55% are people of color – though they only make up 41% of that population. There are also significant disparities in access to healthcare for people of color. Also, studies show that school readiness gaps are on the decline for all populations except for African Americans. Furthermore, youth of color are more likely to be punished, suspended, expelled, or referred to the juvenile justice system for typical adolescent misbehavior at school. Additionally, though there are no significant disparities in commission of crimes, people of color are 2/3 of those in our prisons and jails, and African Americans are nearly 40% of the incarcerated population (though they are only 13% of the American population). In this light, the slogan “Black Lives Matter” can be appreciate for its true meaning: that all lives will only matter when the lives of black people and other people of color matter, when these disparities are erased.

Since the election of Donald Trump as the 45th President of the United States – given that the political discourse and policies supported by this administration are deliberately aligned with and supported by the conservative white community – racial tensions

was the response by President Trump, who at first blamed “both sides”, then offered a brief statement against neo-Nazi groups, and then reverted back to blaming both sides. What has taken place over the last year, though uncomfortable to discuss, has

politically engaged and elect leaders who respect and operate by the values of fairness and equality – which in turn requires us to continuously demand from them systemic and foundational changes. It is not enough to show up only on Election Day. This also means we have to confront our own biases and sometimes racist views – do we hold certain beliefs about hiring or dating people with different racial or ethnic backgrounds? We must have difficult conversations with our families and others in our community about racism and its presence in our midst – do we allow family members to openly make racist remarks without challenging them? We have to stop perpetuating the notions of white superiority – do we praise “light skin” and “light features” as if they are somehow better than dark skin and dark eyes? Are we thrilled when a newborn in our family is fair versus brown? We must also show up and support the call for justice when tragedies happen to others – do we only donate, volunteer or show up for meetings and rallies when our community is negatively targeted, such as with the recent travel ban? All of this requires that we get out of our comfort zone. The only way to make any progress is to force ourselves to get uncomfortable. Anything else would be ignorance at best, and supportive of injustice at worst.

IF YOU WANT TO
CHANGE
YOU HAVE TO BE
WILLING
TO BE
UNCOMFORTABLE

НИС ОУЕ О К Л В Г Е

have reared their ugly head in a fashion not seen since before the Civil Rights Movement. The country is again witnessing an openness from white supremacist and neo-Nazi movements, with deliberate and unafraid organizing of political rallies and protests calling for creating a white nation and promoting the white community. On August 12, 2017, at a “Unite the Right” white nationalist rally in Charlottesville, a white supremacist drove his car into a crowd of peaceful counter-protestors. The white nationalists were protesting the removal of a statue depicting the Confederate General Robert E. Lee – who during the American Civil War fought for the southern states, in favor of keeping slavery legal. The clash resulted in one death and more than 35 injuries. What served as fuel for the fire

shown us the depth and seriousness of a problem that many fooled themselves to believe was only in the history books. During the Civil

Rights Movement and since, America

has attempted to create laws that promote equality and justice. What the country has failed to do, however, has been recognizing that laws declaring equality on their face can never be effective in a society where deeply held beliefs about the inequality and inferiority of others persist – especially if those beliefs are held by those with the power to implement the law and operate the justice system. Hence the fight against racism and to root out the notion of white supremacy in America continues. But in order for it to succeed, we must all take up the charge of being agents of that change. History has shown that policy reform alone is not enough. It requires us to look beyond what the law says to what the law actually does and who is responsible for enforcing the law. It requires us to be



Culture & History

THE HISTORY OF MEDICINE IN ANCIENT PERSIA

BY
HEDIEH
GHAVIDEL,
PRESS TV

PART II
CONTINUED FROM
ISSUED#29



Treatment consisted of verbal communication, the reading of poetry, listening to music and the recitation of prayers, including ones from the holy books of other nations, which were designed to console and heal the patient.

Avestan texts tell of consultation among the surgeons, herbalists and psychiatrists, which indicates a form of medical association at the time. Referring to a foreign physician when a Persian one was at hand was considered a sin, and a physician's fee for service was based on the patient's income, while the fee for treating a priest was his pious blessing.

The first physician as documented by Avestan texts was Vivangahan, followed by Abtin, Atrat and Purshaspa. Mani, Roozbeh, and Bozorgmehr are among the other notable Persian physicians named in the Avesta.

Credit for the establishment of hospital and training systems must be given to the

ancient Persians, as they founded the first teaching hospital in Gundishapur where medical students practiced on patients under the supervision of physicians. The international university, founded in 271 AD by Shapour I, was a center of learning and study in the fields of science and medicine. The age-old school is still a center of knowledge in Khuzestan Province in southwestern Iran.

Gundishapur, mentioned in Ferdowsi's (935-1020 AD) eternal epic Shahnameh (Book of Kings), was located near the city of Susa. It was an important cultural and scientific center of the Sassanid era (226-652 AD) and scholars from various countries, one of whom was Diogenes, studied different fields including medicine at the university. The library of the university, known as the 'city of Hippocrates', consisted of eight floors and 259 halls, containing an estimated 400,000 books.

The university was a gathering place for great scientists and physicians

from all civilizations of the ancient world, a breeding ground for ideas and innovations. Medical science, anatomy, dentistry, astronomy, mathematics, philosophy, military command, architecture, agriculture and irrigation were taught in Greek or Syriac and later Pahlavi in the school. Gundishapur physicians were required to pass special examinations to obtain a license for practicing medicine. This well-organized medical institute was operated by a director, medical staff, pharmacists and servants, and upon its portal was engraved "knowledge and virtue are superior to sword and strength."

The Sassanid ruler Khosrow Anushiravan (531-578 AD) who took an interest in the school and the advancement of medicine sent the Iranian physician Burzuyah to India to obtain medical and scientific books and translate them into the Pahlavi language.

In 550 AD, the world's first medical conference was held

on Anushiravan's order in Ctesiphon. Hundreds of mobeds and physicians from Persia and other countries attended this congress, a historical event which Ferdowsi versified in Shahnameh.

Gundishapur scholars and graduates were appointed to important governmental positions. The minister of health (Iran Dorostbod) was chosen from among the best physicians, and the minister of education (Iran Farhangbod), was an accomplished scholar of philosophy, logic, mathematics or psychology.

Iranian medicine, which combined medical traditions from Greece, Egypt, India and China for more than 4,000 years, became the foundation of the medical practices of European countries during the 13th century.

Among the torchbearers of ancient Persia's scientific heritage are Mohammad Zakaria Razi, Abu Nasr Farabi, Omar Khayyam and Avicenna, who used this knowledge to make further discoveries of benefit to all humankind.

Razi, known in the West as Razes (865-925 AD), was considered the father of pediatrics and a pioneer of neurosurgery and ophthalmology. He discovered and refined the use of ethanol in medicine. Farabi also known in the West as Alfarabius (872-951 AD), is noted for his

contributions to psychology. He wrote the first treatises on social psychology.

Avicenna (980-1037 AD), a prolific genius, introduced systematic experimentation into the study of physiology, experimental medicine, evidence-based medicine, clinical trials, risk-factor analysis, the idea of a syndrome, and he contributed to clinical pharmacology and neuropsychiatry. Khayyam (1048-1131 AD) was a renowned astronomer who contributed to mathematics and calendar reform.

These outstanding scholars are among the many whose names will forever shine in the history of medicine and science, and they will always be revered by the Iranian people.

These outstanding scholars are among the many whose names will forever shine in the history of medicine and science, and they will always be revered by the Iranian people.





General

THE ZOROASTRIAN RENAISSANCE IN IRAN

A STATEMENT FROM THE EUROPEAN ZOROASTRIAN FOUNDATION

CONTINUED FROM ISSUED#29 PART (II)



In this Foundation, for the past few years, up to 4,200 persons, about half women and half men, mostly aged between 20 and 45 years old, have performed the Sedreh Poushi ceremony with Dr Khosro Khazai Pardis, the director of the Foundation. They have come from all over Europe and Iran.

Bravely they ignore the Islamic death penalty for apostasy. We remind you that this inhumane law was approved by the Iranian parliament in September 2008. It made official the Islamic law called Sharia that had been already in use since 1979. In consequence, a number of converted Iranians have been killed or jailed, often for life. But their desire to join Zoroastrianism is so strong that it overcomes the danger. They are the



vanguards of this glorious and unprecedented Cultural Revolution.

Our way of Sedreh Poushi, based entirely on the Gathas, the sublime book of Zarathustra, starts with the following words:

*O Mazda,
While in Your thoughts,
You created at the start body,
wisdom, and conscience for us,
and invoked life in us
and enabled us with words
and deeds,
You intended that we choose
our way of life and existential
doctrine as suit us
Thus, in this great moment of
choice, that I am brought,
in perfect freedom and
knowledge,
to choose the way of my life,
it is to You that I come.*

Sedreh Poushi is a ceremony during which the candidate, who is over 15 years old, chooses with knowledge and full freedom to adopt Zoroastrian values. For this ceremony, that takes about half an hour, candidates (both male and female) dress

in a sort of white shirt called a sedreh, a pair of trousers and a white hat. They also use a white belt in cotton called a koshti.

During the ceremony, the candidates repeat the words that are uttered by the performer, and tie three knots in his or her belt when the performer asks. Each knot represents a promise the candidate makes to fulfill the words she or he is uttering. After the ceremony, each candidate drinks a cup of wine to their success in life. Then there is joyful music and dance. Ahura Mazda, Zarathustra's God, is the ultimate principle that creates and unifies everything that exists. However, the different elements of this existence or this cosmos are not created at random. They display a basic order that is called Asha (or Arta). The Gathas, the sublime book of Zarathustra, were originally in the Aryan language, related to the east of Iran. This language was forgotten after the 4th century BC, and discovered and deciphered in 18th century.



NATION'S FIRST PARSII JUDGE APPOINTED TO LOS ANGELES SUPERIOR COURT

By Sunita Sohrabji



Indian-American attorney Firdaus Dordi has been appointed by California's governor Jerry Brown to the Los Angeles Superior Court. Dordi is the nation's first Zoroastrian judge, according to the South Asian Bar Association. A former public defender and co-founder of the Dordi Williams Cohen law firm, he is the fifth South Asian state court judge in Los Angeles. "I'm very thrilled to have the opportunity to serve in this capacity, serving the public to promote fairness," Dordi, 46, told India-West. "As an immigrant, I have always felt very fortunate in what my family and I have been given by this country. This is a wonderful opportunity to give back to the community," he said, adding that he has focused his career on assisting people who would otherwise not have access to the legal system. "I am fascinated by the principles of fairness in this country, and hope to

ensure that the rule of law governs in every case," he said. On Jan. 18, Asian Americans Advancing Justice's Los Angeles chapter will honor Dordi with their annual award for pro bono work. Laboni Hoq, litigation director at AAAJ, told India-West: "I want to call this a lifetime achievement award for all of Firdaus' pro bono assistance. "Firdaus will never say no, despite his busy schedule and family life," said Hoq. "He is a lovely generous person: that definitely shows in his work." Dordi served as a public defender for more than 14 years in the Central District of California before establishing his firm in 2014. As a public defender, he would frequently reach out to AAAJ when his clients needed "wrap-around" services, noted Hoq. The organization now reaches out to Dordi primarily for human trafficking cases, in which a victim is often caught up in being part of the criminal activity in the trafficking scheme. "He will always work through the tricky criminal issues with me," said Hoq. The South Asian Bar Association of Southern California Public Interest Foundation honored Dordi in 2014 with its Public Interest Award. Last year, SABA-SC again honored Dordi with its 2016 Mentor of the Year award. Vikas Bhargava, president of SABA-SC, told India-West: "Firdaus was an obvious choice for the



General

award.” SABA-SC launched its mentorship program about a decade ago, and revamped it last year to promote greater interaction between a mentor and mentee, said Bhargava, noting that – formerly – the mentor/mentee relationships would fall off after about a month. “Firdaus was amazing in helping his mentee along,” said Bhargava, noting that SABA-SC was able to pair Dordi with a fledgling attorney interested in criminal justice issues. Last year, SABA-SC wrote a letter to Governor Brown’s office to advocate for a judgeship for Dordi, according to Bhargava, who noted that Dordi has been active with the South Asian community for more than 15 years. Dordi has volunteered extensively with the South Asian Network, and – while there – advocated for alternative sentencing for the perpetrator of a hate crime against three South Asian victims. “He advocated for restorative justice rather than punishment,” said Bhargava, noting that the sentence allowed the perpetrator to learn about the South Asian American community, with the aim of not repeating his crime. Dordi earned a Juris Doctor degree from Loyola Law School, Los Angeles, and a Bachelor of Arts degree from the University of California, Santa Barbara. He has not yet begun to serve, and has not yet been assigned to a court.

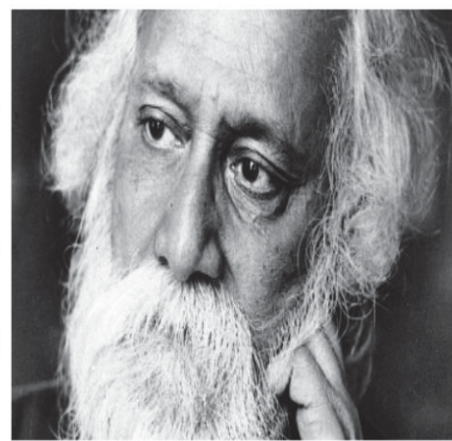
HOW TAGORE EULOGIZED THE PROPHET ZARATHUSTRA

BY
DR. DR. HOMI
DHALLA

November 13th, 2014, marked the 101st anniversary of the announcement of Rabindranath Tagore’s Nobel Prize in Literature.

He was Asia’s first Nobel Prize winner. His book *Gitanjali* literally meaning “An Offering of Songs” was considered by judges to be “profoundly sensitive, fresh and beautiful”. He originally penned the *Jana Gana Mana*, a Poem, which was later accepted as India’s National Anthem.

This legendary man shall always be remembered in history for his multi-dimensional contribution as a writer of stimulating stories, plays and novels, an outstanding educator, a renowned philosopher and a significant music composer, painter and choreographer. What would be of immense interest (to the Parsi community) is the manner in which Tagore immortalized Prophet Zarathustra after making a study of the Gathas. Both Zarathustra and Tagore were mystics of the highest order – their mysticism came spontaneously from the depths of their soul. Both enjoyed an intimate personal



relationship with their cosmic beloved, which is the quintessence of mysticism.

A few extracts from the chapter on Prophet Zarathustra from his book *The Religion of Man* clearly illustrate how Rabindranath Tagore profoundly expounded the contribution of Zarathustra to world thought. Tagore throws light on various dimensions of Zarathustra’s teachings, which are illuminating and inspiring. He asserts: “The first profound record of the change of direction in man’s religion we find in the message of great Prophet in Persia, Zarathustra, and as usual it was accompanied by a revolution. The most important of all outstanding facts of Iranian history is the religious reform brought about by Zarathustra. There can be hardly any question that he was the first man we know who gave a definitely moral character and direction to religion and at the same time preached the doctrine of monotheism, which offered an eternal foundation of reality to goodness as an ideal of perfection. All religions of the primitive type

try to keep men bound with regulation of external observances. Zarathustra was the greatest of all the pioneer prophets who showed the path of freedom to man, the freedom of moral choice, the freedom

from the blind obedience to unmeaning injunctions, the freedom from the multiplicity of shrines which draw our worship away from the single-minded chastity of devotion. “Zarathustra was the first prophet who emancipated religion from the exclusive narrowness of the tribal God, the God of a chosen people and offered it the Universal Man. This is a great fact in the history of religion.” To illustrate this, Tagore quotes from *Yasna 45.1* (translation D.J.Irani): “Hearken unto me, Ye who come from near and from far! Listen for I shall speak forth now; ponder well over all things, weigh my words with care and clear thought. Never shall the false teacher destroy this world for a second time, for his tongue stands mute, his creed exposed.” Tagore adds, “I think it can be said without doubt that such a high conception of religion, uttered in such a clear note of affirmation with a sure note of conviction that it is a truth of the ultimate ideal of perfection which must be revealed to all humanity,

even at the cost of martyrdom, is unique in the history of any religion belonging to such a remote dawn of civilization. “The ideal of Zoroastrian Persia is distinctly ethical. It sends its call to men to work together with the Eternal Spirit of Good in spreading and maintaining ‘Kshathra’, the kingdom of righteousness, against all attacks of evil. This ideal gives us our place as collaborators with God in distributing his blessings over the world”. In this light, Tagore quotes from the *Ahunavaiti Gatha (Yasna 31.22)* which states: “Clear is this to the man of wisdom as the man who carefully thinks; He who upholds Truth with all the might of his power, He who upholds truth the utmost in his words and deeds, He, indeed, is Thy most valued helper, O Mazda Ahura! “Those surrounded by believers in magical rites, he proclaimed in those dark days of unreason that religion has its truth in its moral significance, not in external practices of imaginary value; that its value is in upholding man in his life of good thoughts, good words and good deeds.” Tagore writes, “In the primitive stage of spiritual growth, when man is dimly aware of the mystery of the infinite in his life and the world, when he does not fully know the inward character of his relationship with his truth, his first feeling



General

is either of dread or of a greed of gain. This drives him into wild exaggeration in worship, frenzied convulsions of ceremonialism. But in Zarathustra's teachings, which are best reflected in the Gathas, we have hardly any mention of the ritualism of worship. Conduct and its moral motives have received almost the sole attention. The orthodox Persian form of worship in ancient Iran included animal sacrifice and offering of haoma to the daevas. That all this should be discountenanced by Zarathustra not only shows his courage, but the strength of his realization of the Supreme Being as spirit."

Tagore notes, "There was a time when, along with other Aryan peoples, the Persians also worshipped the elemental Gods of Nature, whose favour was not to be won by any moral duty performed or service of love (but to be won by sacrifices and ceremonies)... Then comes the great Prophet (whose call) is a call to the fighter, the fighter against untruth, against all that lures away man's spirit from its high mission of freedom into the meshes of materialism.

"Such a message (as his) always arouses the antagonism of those whose habits have become nocturnal, whose vested interest is in the darkness. And there was a bitter fight in the lifetime of the prophet between his followers and the others who were addicted to the

ceremonies that had tradition on their side, and not truth. "The active heroic aspect of this religion reflects the character of the people themselves, who later on spread conquests far and wide and built up great empires. They accepted this world in all seriousness. They had their zest in life and confidence in their own strength. Their ideal was the ideal of the fighter. By force of will and deeds of sacrifice they were to conquer 'haurvatat' (welfare in this world) and 'ameretat' (immortality in the other). For paradise has to be gained through conquest. That sacred task is for the heroes, who are to take the right side (of good) in the battle and the right weapons (of good thoughts, good words and good deeds)."

"...Zarathustra's voice is still a living voice, not alone a matter of academic interest for historical scholars who deal with the facts of the past; not merely the guide of a small community of men in the daily details of their life. Rather, of all teachers, Zarathustra was the first who addressed his words to all humanity, regardless of distance of space or time... But he was the watcher in the night, who stood on the lonely peak facing the East and broke out singing the paeans of light to the sleeping world when the sun came out on the brim of the horizon."

U.C. SAN DIEGO NAMES SCIENCE BUILDING 'TATA HALL FOR THE SCIENCES'

On September 12th, U.C. San Diego announced that the new building for the divisions of biological and physical sciences has been named the Tata Hall for the Sciences.

The naming of the building is in recognition of a \$70 million gift provided by Tata Trusts in 2016 to create the Tata Institute for Genetics and Society, according to a university news report.

The institute, which aims to advance global science and technology through socially-conscious means to develop solutions to some of the more pressing global issues, will be affixed to the fifth floor of Tata Hall.

"It is my privilege to dedicate this building in recognition of the Tata Trusts' leadership and collaboration with U.C. San Diego, and the Tata family's pioneering philanthropy and singular impact to bring about societal change," said U.C. San Diego chancellor Pradeep K. Khosla at the naming event, according to the university report.



"Tata Hall exemplifies U.C. San Diego's tradition of non-tradition, inspiring cross-disciplinary collaboration among researchers and the next generation of innovators," the Indian American chancellor added. "This building will embody the spirit of the many shared values of U.C. San Diego and the Tata Trusts to benefit our global society."

The building is currently under construction and is expected to be completed by the fall of 2018, the report noted.

"I am very proud of being associated with this great institution," said Tata Trusts chairman Ratan N. Tata, the report noted. "What we are doing is a big thing for mankind in our part of the world... and I look forward to this involvement as just a first part of what we can do together."

In addition to naming the building Tata Hall, the university also announced four inaugural chair holders of the Tata Chancellor's Endowed Professorships.

Among the chairs are Suresh Subramani with the Tata Chancellor's Endowed Professorship in molecular biology, Ethan Bier with the professorship in cell and developmental biology, Karthik Muralidharam with a professorship in economics, and Anita Raj with a professorship in medicine.

Source: Zoroastrians.net

Caption: Tata Trusts chair Ratan Tata (center) celebrated the building's dedication Sept. 12 with UCSD chancellor Pradeep Khosla (right) and members of the new institute. (ucsd.edu photo)



Bahirani@YAHOO.COM

BERKSHIRE HATHAWAY HomeServices

The Preferred Realty & Realtor
بهرام ایرانی
Bahram Irani

مشاور شما در املاک جهت خرید یا فروش هرگونه املاک مسکونی، تجاری یا زمین با بهترین خدمات

If you are looking to buy a house, or if you want to sell your house, enjoy our best services.

818-645-3134
۸۱۸-۶۴۵-۳۱۳۴

پیشکش فرهنگی به دوستداران فرهنگ ایران
15 cultural songs and their music notes are available for free access.
<http://digitalcommons.cwu.edu/kaviani/>

اینک ۱۵ سرود فرهنگی و ۶ ترانه رایگان در دسترس شماست.

سرودها از: بحر خنده (مخدی) کویلی، نوروز، زانوز، زرتشت، جشن اردیبهشتگان، جشن خردادگان، جشن تیرگان، جشن اسفندگان، جشن شهریورگان، جشن مهرگان، جشن آنتگان، جشن ارگان، شب یلدا، جشن نیکنان، جشن یسناگان، جشن سده، چهلشنبه سوری، راهزنت.



Lyrics: Khodadad (Khodi) Kaviani, Ph.D. کویلی (مخدی) کویلی
Vocals: Nooshafarin, Haideh, and Khodi آواز: نوش افروین، هایده و مخدی
Music: Saeed Shahram آهنگ: سعید شہرام
Website: www.khodi.com Email: Khodi1@comcast.net

New Illustrated Book

Norooz with my family.
Available at Amazon Books

NCL NATIONAL CHOICE LAWYERS

"Rapid. Reliable. Results."
Koorosh K. Shahrokh, Esq. Managing Attorney

Car Accidents
Defective Products
Medical Malpractice
Dental Malpractice
Birth Injuries
Brain Injuries
Wrongful Death
Mesothelioma
Premises Liability
Truck Accidents
Employment Law
Nursing Home Abuse
Business Litigation
Disability Claims
Burn Injuries
Appeals

We will represent you from intake through trial.

Your case is never too big or too small for us to handle.

We will not charge you any fee if there is no recovery.

We will return all your telephone calls and e-mails and keep you informed about your case.

کوروش کیخسرو شاهرخ
Koorosh Kaikhosrow Shahrokh, Esq.

CALL NOW FOR A FREE CONSULTATION
6345 Balboa Boulevard Suite 273, Los Angeles California, 91316
1-877-682-4652
Tel: (818) 996-7301 www.NationalChoiceLawyers.com
Fax: (818) 996-7302 Mr.K@NationalChoiceLawyers.com
GET GOING AGAIN!

ازرتشنگ
GOOD THOUGHTS
کودارتیک
GOOD DEEDS
کودارتیک
GOOD WORDS

نمایندگی بیمه کسروی
با ۲۵ سال سابقه در انواع بیمه

خودرو.
تندرستی.
خانه.
عمر.

بازرگانی.
کارگری.
بیمه گروهی.
بازنشستگی.

(714) 542-3014
(714) 714-0021

jkasravi@farmersagent.com
Lic. # 0781336

Anthem BlueCross **FARMERS INSURANCE**